
کودکان و خشونت خانگی با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و اسناد بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۴

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۶/۲۸

آناهیتا سیفی

استادیار گروه مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی - seifi@atu.ac.ir

چکیده

خانواده و جایگاه آن در نظام‌های داخلی کشورها اهمیت ویژه‌ای دارد و حقوق کودک زیرمجموعه حقوق خانواده به شمار می‌رود. حقوق کودک در محیط خانواده نمود عینی می‌یابد. در این رابطه بررسی حوزه صلاحیت دولت‌ها درباره حقوق خانواده و کودک نیز اهمیت بسزایی دارد. حقوق کودک به واسطه ارتباط نزدیک با مصادیق حقوق بنیادین بشر دارای وصف آمره است. در نتیجه دولت‌ها در رویه و مقررات داخلی خود نمی‌توانند از مصادیق مزبور عدول کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ در پیشگیری و حمایت از کودکان آسیب‌دیده از خشونت خانگی با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای در راستای پاسخ به این پرسش‌ها که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ چه رویکرد و نوآوری درباره حمایت از کودکان در برابر خشونت خانگی دارد؟ این قانون در احراز منافع و مصالح کودکان و نوجوانان با اسناد بین‌المللی تا چه حدی انطباق دارد؟ همچنین بیان می‌دارد با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، اقدامات حمایتی، ایجاد ضمانت اجرای کیفری در مورد کوتاهی مراقبان و والدین اطفال و نوجوانان در انجام وظایف خود، تخصصی کردن بخش‌هایی از رسیدگی به جرایم علیه اطفال و... مقرراتی وضع شده و مطالعه تطبیقی

میان دو سند بیانگر آن است که قانون جدید در بسیاری از جنبه‌ها پوشش مناسبی نسبت به تعهدات ناشی از کنوانسیون حقوق کودک ارائه می‌دهد. کنوانسیون نقش مؤثری در دفاع از حقوق کودکان داشته؛ اما در حوزه‌هایی مثل ضعف در هماهنگی ساختاری، ضمانت اجرایی، مبانی نظری و تعاریف و بازدارنده نبودن مجازات‌های اعلامی دارای نقایصی است.

واژگان کلیدی:

خشونت خانگی، حقوق کودک، اسناد بین‌المللی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که از دیرباز مورد توجه حقوق‌دانان بوده، مسئله حقوق کودکان است. کودکان جزو آسیب‌پذیرترین اقشار اجتماع هستند که در برابر آسیب‌ها نمی‌توانند از خود دفاع کنند. بنابراین در اولویت قرار دادن حقوق اولیه و طبیعی کودکان ضروری است (سالازار فلکمن، ۱۳۹۰، ص ۲۷). متأسفانه خشونت علیه کودکان بیشتر در قانون خانواده مشاهده می‌شود (Frehsee, Detlev, 1996, pp.110-114). خشونت علیه کودکان امری نسبی است و با توجه به فرهنگ و باورهای مناطق گوناگون، برداشت متفاوتی از آن وجود دارد (Korbin et al, 1983, p.174). تحقیقات در ایران نشان می‌دهد خانواده‌ها عموماً بر این باورند که به‌کارگیری تنبیه بدنی در تربیت کودکان گاهی اوقات ضروری است. نگرش والدین به تنبیه بدنی، تابعی از ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵). حدود کودک‌آزاری در خانواده از محروم کردن کودک از غذا، لباس، سرپناه و محبت والدین تا مواردی که در آن کودکان از نظر جسمی توسط یک فرد بالغ مورد آزار و بدرفتاری قرار می‌گیرند که آشکارا به آسیب دیدن و گاهی مرگ آنان می‌انجامد، گسترده است. با وجود اینکه خشونت علیه کودک در خانواده طیف گسترده‌ای از رفتارهای آسیب‌رسان را در بر می‌گیرد، باید گفت تمامی این رفتارها حول چهار محور آزارهای جسمی، جنسی، غفلت و آزارهای عاطفی - روانی می‌گردد (سالازار فلکمن، ۱۳۹۰، ص ۲۷). کودکانی که با خشونت روبه‌رو می‌شوند، در معرض خطر رفتارهای غیرانطباقی هیجانی، اجتماعی، شناختی و جسمی قرار می‌گیرند. با توجه به مطالب پیش‌گفته و تأثیرات ویرانگر کودک‌آزاری بر آینده کودکان، این معضل نیازمند توجه

بیشتری است تا بتوان آگاهی خانواده‌ها را در خصوص بدرفتاری با کودکان بالا برد و از این آسیب بزرگ به کودکان و در پی آن به سلامت خانواده و جامعه جلوگیری کرد (حبیبی و گوهری مقدم، ۱۳۹۶، ص ۹۶). رسالت نظام عدالت کیفری در مورد کودکانی که مورد تعرض والدین قرار می‌گیرند، از چند جهت حائز اهمیت است:

ارتکاب جرم علیه کودکان توسط والدین به آسانی انجام می‌گیرد. بزه‌دیده توان درک خشونت یا واکنش نشان دادن در برابر آن و دفاع از خود را ندارد. وقتی کودک آزاری رخ می‌دهد، جرم به سادگی جرایم دیگر کشف نمی‌شود. در موارد بسیاری کودک ناتوان‌تر از آن است که بتواند اعلام جرم کند. شاید به همین دلیل هم بوده که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ اعلام کودک آزاری را وظیفه همگانی قلمداد کرده و حتی برای تخطی از این وظیفه، مجازات نیز تعیین کرده است. اثرات جرم در مواردی که بزه‌دیده کودک است، به مراتب عمیق‌تر و خطرناک‌تر بوده و در جایی که مرتکب پدر و مادر کودک است، عمق بیشتری دارد. چندین سند الزام‌آور و ارشادی به صورت قطعنامه، کنوانسیون، اعلامیه و... به تصویب رسیده که مقررات حمایتی چندی برای کودکان قربانی در چرخه عدالت کیفری قائل شده و همه کشورها را به رعایت آن مکلف کرده‌اند. حقوق کیفری ایران در پرتو لوایح قضایی حمایت از کودکان و نوجوانان و قانون آیین دادرسی کیفری به میزان زیادی تحت تأثیر اسناد بین‌المللی الزام‌آور همچون کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی قرار گرفته است.

برای پیشگیری از هرگونه کودک آزاری، اقداماتی منسجم و مستمر، خدمات اجتماعی، قانونی و مجازات افرادی که مرتکب کودک آزاری می‌شوند، ضروری است (سالازار فلکمن، ۱۳۹۰، ص ۳۷). چالش‌های حق سلامت کودکان در نقاط گوناگون جهان متفاوت است (کوکبی سقی، ۱۳۹۹، ص ۴۰۵). در هر کشور باید نوعی راهبرد ملی، سیاست یا برنامه عملی در زمینه خشونت علیه کودکان تدوین و در فرایند برنامه‌ریزی ملی گنجانده شود؛ اقداماتی به منظور تغییر نگرش‌هایی که سبب چشم‌پوشی، پذیرش و اشاعه هرگونه خشونت شود. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی در راستای پاسخ به اینکه قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۹۹ چه رویکردی به حقوق و تکالیف خانواده در راستای حمایت از کودکان در برابر خشونت خانگی دارد و اینکه نوآوری‌های این قانون نسبت به قوانین پیشین و میزان انطباق آن با کنوانسیون حقوق کودک چگونه است، به بررسی تغییرات

کیفی قانون و فرصت‌های پیش‌رو می‌پردازد تا نقاط قوت قانون تقویت و ضعف آن بررسی شود.

در بیان ضرورت تحقیق باید توجه داشته باشیم کودکان آینده جامعه و کشور را می‌سازند. امروزه حقوق و مسائل کودکان توجه جهانیان را روزبه‌روز بیشتر به خود جلب کرده است. خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی، در کنار نقش اساسی در تکوین شخصیت کودکان، ممکن است عاملی برای آسیب به کودک باشد و او را به سمت بزه‌دیدگی سوق دهد. اصل حفظ ارتباط کودکان با والدین ایجاب می‌کند در خشونت‌های خانگی، با تمهیدات مراقبتی تا حد ممکن برای تداوم حفظ ارتباط کودک با خانواده کوشید و جدا کردن کودک از خانواده با در نظر داشتن منافع عالی به عنوان آخرین راه‌حل در نظر گرفته شود و تا جای ممکن باید با توانمندسازی کودک و با در نظر گرفتن اصل جدا نکردن، شرایط بازگشت به خانواده را فراهم کرد؛ مگر در مواردی که منافع عالی کودک اقتضا دارد احکام متضمن سلب حق نگهداری از کودک صادر شود و جدایی کامل تحقق یابد. در اغلب موارد دولت‌ها با این استدلال که این اعمال در حوزه خصوصی افراد است، قربانیان این خشونت‌ها را نادیده می‌گیرند. در چنین مواردی با نقض حقوق بشر و اعمال نشدن اقدامات لازم از سوی دولت‌ها در جهت حمایت از قربانیان، جامعه بین‌المللی موظف است با تصویب اسناد حقوق بشری، دولت‌ها را به رعایت حقوق بشر و حمایت از قربانیان متعهد کند (ر.ک: پاکهیده و همکاران، ۱۳۹۶). در نوشتار حاضر از خشونت علیه کودکان و انواع آن به‌طور مختصر بحث می‌شود، سپس به اصول و معیارهای کنوانسیون حقوق کودک برای حمایت از کودکان در برابر خشونت، همچنین قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۹۹ در ارتباط با موضوع و تطبیق این دو سند می‌پردازد.

۱. خشونت خانگی علیه کودکان

خشونت خانگی به عنوان مشکلی شایع و عمده، تهدیدکننده سلامت قربانیان و یک اپیدمی پنهان ادامه‌دار در حوزه سلامت روان شناخته می‌شود (محسنی کبیر و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷). اگرچه خشونت جنسیت نمی‌شناسد؛ ولی همواره دو گروه یعنی زنان و کودکان قربانی خشونت شده‌اند. شاید خشونت علیه کودکان را بتوان ذیل تفاوت قدرت‌های جسمی تفسیر کرد (فرشیدفر، ۱۳۹۰، ص ۱). پس از خشونت‌های فیزیکی، نگاه محققان متوجه اعمال خشونت‌های روانی بر کودکان در خانواده شد، تحقیقات بعدی بر

پیچیده‌ترین بحث خشونت در خانواده، یعنی تجاوز و سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان متمرکز شد. غفلت یا مسامحه عبارت است از فراهم نیاوردن نیازهای غذایی، پوششی، مسکن، بهداشت و مراقبت‌های طبی و تحصیلی و سرپرستی کودک از سوی والدین یا سرپرست کودک. غفلت می‌تواند در همه خانواده‌ها وجود داشته باشد؛ ولی اغلب در خانواده‌های کم‌درآمد دیده می‌شود. از مصادیق غفلت از کودکان می‌توان به بی‌توجهی و غفلت جسمانی و غفلت و اهمال از جهت غفلت هیجانی مانند محبت نکردن کافی به کودک، بدرفتاری شدید یا مزمن با همسر خود در حضور کودک یا برخورد نامناسب با اعضای دیگر خانواده اشاره کرد که همگی ممکن است کودک را در معرض خطرات شدید عاطفی قرار دهد.

در بسیاری از گزارش‌های کودک‌آزاری، غفلت بیشترین رقم را نشان می‌دهد. اعمال مقررات و کنترل شدید بر کودک، ترساندن او از تنبیه سخت بدنی، تهدیدهای متداول مانند دوست نداشتن کودک، ممنوعیت برقراری ارتباط با دیگران و حتی اظهارنظر و تصمیم‌گیری برای همه کارهای کودک که او را عملاً از حق انتخاب محروم کرده و مانع از رشد احساس فردیت در کودک می‌شود (ر.ک: فیروزی، ۱۳۸۸). میلز و همکاران کودک‌آزاری را انجام یا اجازه به دیگران برای ایجاد آسیب جسمی، جنسی و عاطفی بر کودک توسط فردی می‌دانند که مسئولیت آسایش و رفاه او را بر عهده دارد؛ به‌طوری‌که سلامت و آسایش کودک به خطر بیفتد (see: Mills, 2000). اقدامات دولت‌ها برای قانون‌گذاری و تخصیص بودجه به این منظور، مصوبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن و کوشش سازمان‌های مردم‌نهاد همه نشان‌دهنده سطح آگاهی عمومی در مورد ضرورت تخفیف میزان مشکلات کودکان به‌ویژه کودکان بی‌سرپرست است (نوع پرست، ۱۳۹۰، ص ۹۱-۹۲). خانواده‌ها دچار انواع آسیب‌پذیری و بحران هستند که یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جامعه امروز، خشونت خانگی است (ر.ک: سجادی فر، ۱۳۸۱). این خشونت در محیط خصوصی رخ می‌دهد و معمولاً زنان و کودکان قربانیان تراز اول آن به شمار می‌روند (ر.ک: یعقوبی‌دوست و عنایت، ۱۳۹۳). خشونت خانگی به معنای رفتار خشونت‌آمیز و سلطه‌گرانه یک عضو خانواده با عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است (نیکنامی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵). مؤسسه ملی بهداشت روان در سال ۱۹۹۲ میلادی، خشونت خانوادگی را چنین تعریف می‌کند: «اعمالی که به طور

فیزیکی یا هیجانی مضر هستند یا به صورت بالقوه منجر به آسیب بدنی می‌شوند؛ همچنین شامل زورگویی یا تجاوز جنسی، تهدید بدنی، تهدید به کشتن یا آسیب رساندن، محدود نمودن فعالیت‌های عادی، سلب اختیار و محرومیت از دسترسی به منابع» (شهینان‌پور، ۱۳۹۴، ص ۶۵).

سازمان بهداشت جهانی خشونت را «به‌کارگیری عمدی نیرو یا قدرت فیزیکی به صورت واقعی یا تهدید به آن می‌داند که دارای انواع مختلفی مانند خشونت جسمی، روانی و جنسی است» (رضوانی و غنی‌زاده بافق‌ی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۴) خشونت خانگی اعمال فشار و زورگویی یک عضو خانواده است که به‌طور جدی زندگی، سلامت جسمی، انسجام روان‌شناختی یا آزادی عضو دیگر را در معرض خطر قرار می‌دهد. کودکان شاهد خشونت، قربانیان خاموش یا نامرئی خشونت هستند (رفاهی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۷). در دنیای امروز خشونت خانگی واقعی‌تری انکارناپذیر است؛ خشونت‌هایی که مخصوص جامعه یا طبقه خاصی نیست و در همه کشورهای دنیا و طبقات اجتماعی گوناگون می‌توان آن را یافت (ستایش و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۰). با وجود اینکه خشونت خانگی پدیده‌ای جهانی-شمول است، به میزان بسیار بالایی از لحاظ تعریف و سطح گستردگی خود به جامعه‌ای که در آن رخ می‌دهد، وابسته است. البته بر خلاف کشورهای غربی که در آنها دستیابی به اطلاعات خشونت خانگی برای پژوهشگران آسان‌تر صورت می‌پذیرد، در جوامع در حال توسعه بحث در این باره به دلیل داده‌های نه چندان قابل اعتماد دشواری‌های خاص خود را دارد. خشونت خانگی می‌تواند به پیامدهایی همچون آسیب به سلامت روان و اعتماد به نفس، نقص عضو و حتی مرگ بینجامد. تأثیرات ویرانگر خشونت علیه کودک به توجه بیشتری نیازمند است (حیبی و گوهری مقدم، ۱۳۹۶، ص ۹۶).

مشارکت کودکان در تصمیم‌گیری در سطح فردی، خانوادگی، سازمانی و سیاست‌گذاری در جامعه برای احقاق حقوق آنها کلیدی است (see: Council of Europe (Strategy for the Rights of the Child (2016-2021)). طیف گسترده‌ای از سازوکارها باید برای تسهیل مشارکت در گروه‌های گوناگون توسعه داده شود. شنیده شدن برای کودکان تحت مراقبت اهمیت بسیاری دارد؛ ولی بسیاری احساس می‌کنند به آنها گوش داده نمی‌شود. قوانین مناسب باید به دنبال مشارکت کودکان باشند؛ اما متأسفانه بسیاری از آنها نمادین هستند. تجربه‌ها و دیدگاه‌ها با توجه به سن، جنس، نژاد، قومیت، ملیت، معلولیت و

وضع اقتصادی متفاوت خواهد بود. ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک دولت‌ها را ملزم می‌کند از کودکان در برابر هرگونه خشونت محافظت کنند. با این حال هنوز کودکان سطوح بالایی از خشونت را در زمینه‌های گوناگون از درون خانواده تا گروه‌های هم‌سالان و گروه‌های دیگر تجربه می‌کنند.

بسیاری از دولت‌ها تنبیه جسمی کودکان را به لحاظ عرفی، اجتماعی و قانونی پذیرفتنی می‌دانند. در مطالعه‌ای درباره حقوق کودکان در مولداوی، آنها بیان می‌کنند: «دلیل آنکه والدین علیه کودک خود مرتکب خشونت می‌شوند، این است که آنها در محل کار یا خانه اذیت می‌شوند و کودک مانند یک بازیچه برای والدین است». کودکان در مولداوی بر ضرورت راه‌اندازی کمپین مبارزه با تنبیه بدنی کودکان تأکید دارند. تحقیق دیگری در صربستان نشان می‌دهد اکثریت دانش‌آموزان تمایل دارند در مورد خشونت از جمله راهکارهای پیشگیری در مدرسه آموزش ببینند (see: Daly et al, 2016). بنابراین ضرورت مداخلات دولتی در خشونت‌های خانگی و تلاش در راستای ایجاد تعادل میان حق بر حریم خصوصی، استحکام نهاد خانواده و حق بر امنیت کودکان دارای اهمیت بررسی است.

۲. حقوق کودک در اسناد بین‌الملل

تحولات سریع در جهت توجه بیشتر جامعه بین‌المللی به حقوق کودک و تصویب اسناد و سازوکارهای موثرتر برای حمایت و ارتقای حقوق کودک چشمگیر است (see: Daly, Ruxton and Schuurman, 2016). نکته درخور تامل در مورد احقاق حقوق کودک نبود توانایی مساوی کودکان در احقاق حقوق خود در مقام مقایسه با بزرگسالان است (میلان و عبدی، ۱۳۹۵، ص ۲۴). در سال ۱۹۲۴ میلادی «اعلامیه حقوق کودک»^۱ در ژنو تنظیم شد که بیشتر در زمینه تغذیه، بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ‌زده و آواره و حمایت آنان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از جنگ بود. تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان (یونیسف) در سال ۱۹۴۶ نیز گام مهمی برای پرداختن به مسائل حقوقی کودکان جهان بود. همچنین «اعلامیه جهانی حقوق بشر»^۲ ۱۹۴۸ منبع دیگری برای پیمان حقوق کودک بود؛ زیرا این اعلامیه تمام انسان‌ها را بدون توجه به ویژگی‌ها شامل می‌شود که

1.universal declaration of human rights (1984).

2.universal declaration of human rights (1984).

طبعاً کودکان را نیز در بر می‌گیرد.

در سال ۱۹۵۹ «اعلامیه حقوق کودک»^۱ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که در واقع اساس و بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی‌ریزی کرد، همچنین در «کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی»^۲ ۱۹۶۵، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»^۳ ۱۹۶۶ و «کنوانسیون حداقل سن اشتغال کودکان»^۴ ۱۹۷۳ مباحثی در ارتباط با حقوق کودکان بیان شده است. دو پروتکل اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک نیز در سال ۲۰۰۰ تصویب شده است: یکی «پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودکان در مورد شرکت کودکان در جنگ»^۵ و دیگری «پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فاحشگی و پورنوگرافی کودکان». تمامی این اسناد بر معرفی معیارهای بین‌المللی در زمینه حمایت از اطفال از جمله اطفال بزه‌کار و لزوم درپیش گرفتن یک سیاست کیفی افتراقی در خصوص آنان تأکید ورزیده‌اند (ر.ک: کوشا و خواجه‌نوری، ۱۳۹۱). کنوانسیون حقوق کودک تنها معاهده الزام‌آوری است که دولت‌های عضو را به انطباق قوانین داخلی با مقررات این معاهده، متعهد می‌کند (سادات اسدی، ۱۳۸۸، ص ۴۸). در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک مورخ ۱۹۸۹ خانواده نهادی تعریف شده است که کودک معمولاً در آن زندگی و رشد می‌کند و حقوق خود را در آن محیط به منصفه ظهور می‌گذارد (see: The Convention on the Rights of the Child 1989).

کنوانسیون حقوق کودک در ماده یک کودک را چنین تعریف می‌کند: «منظور از کودک افراد انسانی زیر هجده سال است؛ مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶، ص ۳۷). نخستین سند بین‌المللی منطقه‌ای در زمینه حقوق کودک منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک

- 1.declaration of the rights of child 20 november (1959).
- 2.international convention on the elimination of all forms of racial discrimination (1965).
- 3.international covenant on civil and political rights and the optional protocol thereto (1966).
- 4.convention on the minimum age for employment (1973).
- 5 optional protocol to the convention on the rights of the child on the involvement of children in armed conflicts (2000).

مورخ ۱۹۹۰ است. نکته درخور توجه این سند در مورد جرایم و جنایات ارتكابی کودکان است؛ به موجب مفاد این سند، مجازات اعدام نمی‌تواند برای کودکان اجرا شود. همچنین کنوانسیون حقوق کودکان اروپایی مورخ ۱۹۹۶ نیز سندی بین‌المللی و منطقه‌ای در زمینه حقوق کودکان است (see: African Charter on the Rights and Welfare of the Child. 1990). نکته درخور توجه این سند در اعطای حق بیان دفاعیات در دادگاه به کودک است که به موجب مفاد این سند باید در محاکم داخلی کشورهای عضو تدابیری اندیشه شود که کودکان در فرایند رسیدگی قضایی و شرکت در جلسه دادرسی همواره نماینده ویژه‌ای به همراه داشته باشند (see: U.N. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflict. 2000). کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۸ پروتکل الحاقی به بحث بزه دیدگی اطفال و حمایت از حقوق و منافع کودکان پرداخته که قربانی می‌شوند (علمداری و فرجیها، ۱۳۹۸، ص ۱۶۲). مصادیق مرتبط با حقوق کودک در دیگر اسناد بین‌المللی نیز موضوعیت دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور حقوق بشر اروپایی جزو آن دسته از اسنادی هستند که به تبع ماهیت عامی که دارند، به طور مستقیم با مصادیق حقوق کودکان مرتبط می‌شوند (شعبانی، ۱۳۹۹، ص ۳۵۱-۳۵۲). در اغلب نظام‌های حقوقی، اصل بر صلاحیت والدین یا سرپرست کودک بر اراده اوست، در ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک مقرر شده در این مسئله، مصلحت و منافع کودک باید در اولویت قرار داشته باشد. کنوانسیون حقوق کودک درباره تنبیه فیزیکی کودکان رویکرد سختی را در پیش گرفته است؛ در ماده ۱۹ این کنوانسیون هرگونه آسیب جسمی و روانی ناشی از فعل یا ترک فعل به کودک منع شده است و با استناد به ماده ۳۷ این کنوانسیون، کودک از هرگونه تنبیه یا مجازات نامناسب مصون است. بر اساس نظریه مشورتی کمیته کنوانسیون حقوق کودک، تنبیه فیزیکی حتی اگر با در نظر گرفتن مصلحت کودک و به هدف تربیت او باشد مجاز نیست؛ حتی تمسخر، تحقیر، توهین و تهدید کودک نیز از مصادیق کودک‌آزاری شمرده می‌شود (همان، ص ۳۵۸-۳۵۹). بنابراین سیاست‌گذار جنایی باید از راه‌های گوناگون همچون جرم‌انگاری برخی رفتارها و تشدید مجازات و پیش‌بینی تدابیر پیشگیرانه، موجبات کاهش بزه‌دیدگی و تجاوز به حقوق و آزادی‌های کودکان را فراهم کند (حاجی‌تبار فیروزجایی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸۰).

بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو کلیه اقدامات قانونی،

اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری، سوءرفتار یا بهره‌کشی، از جمله سوءاستفاده جنسی در حین مراقبت توسط والدین، سرپرست قانونی یا هر شخص دیگری که عهده‌دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند» (نیکبختی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۷). ایجاد محیط ناآرام خانواده به سبب اختلافات جدی والدین که موجب سلب آسایش کودک، رعب و وحشت، خانه‌گریزی و حتی خشونت‌گری وی به تقلید از والدین خود می‌شود. در وجه اخیر ممکن است کودک هیچ‌گونه برخورد یا اصطکاک رفتاری با والدین خود نداشته باشد؛ ولی به سبب نگرانی و ترس از وضعیت والدین خود، دچار به‌هم‌ریختگی روحی - روانی می‌شود و احساس امنیت خود را در خانه از دست می‌دهد. اصل ششم اعلامیه در راستای مبارزه با این معضل، در بند نخست خود مقرر می‌دارد: «کودک جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی‌الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت در فضایی پرمحبت در امنیت اخلاقی، مادی پرورش یابد». این‌گونه تأکید اعلامیه بر فضای محبت‌آمیز و امن خانواده نوعاً مسئولیتی است که افزون بر دولت، بر عهده والدین گذاشته شده است؛ طبق بند ۲ ماده ۲۷ کنوانسیون، «والدین یا سایر سرپرستان کودک مسئولیت عمده‌ای در جهت تضمین شرایط زندگی مناسب برای پیشرفت کودک در چارچوب توانایی‌ها و امکانات عالی خود به عهده دارند». والدین کودک مالک او نیستند که بتوانند هر تصرفی بر کودک داشته باشند و هرگونه صلاح بدانند، عمل کنند؛ بلکه مسئولیت پرورش، حفظ و تربیت او را مبتنی بر استانداردهای قانونی و تضمین حقوق کودک بر عهده دارند. بر اساس بند ۱ ماده ۱۸ کنوانسیون... «والدین و یا قیم قانونی مسئولیت عمده را در مورد رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند. اساسی‌ترین مسئله آنان حفظ منافع عالی کودک است». در این میان دولت نیز افزون بر نقش نظارتی در تحقق بهینه این امر، ملزم به ایفای مسئولیت‌های پشتیبانی و رفاهی مقتضی است؛ دولت موظف است بیشترین تلاش خود را برای تضمین ایفای مسئولیت‌های مشترک پدر و مادر در مورد رشد و پیشرفت کودک به عمل آورد. اساساً کودک حق دارد از محیط خانوادگی مطلوب بهره‌مند باشد؛ دولت‌ها موظف‌اند مطابق با شرایط ملی و در چارچوب امکانات خود، اقدام ضروری را برای یاری والدین و سایر اشخاص مسئول کودک

در جهت اعمال این حق به عمل آوردند و در صورت لزوم، کمک‌های مالی و برنامه‌های حمایتی را به‌ویژه در مورد تغذیه، پوشاک و مسکن فراهم کنند. چنانچه پدر و مادر کودک قادر به تأمین این مراتب در بستر روابط خانوادگی خود نشوند، دولت موظف است آنان را در ایفای این مسئولیت یاری کند و اگر این امر نیز میسر نشود، دولت باید حضانت فرزند را برای حفظ سلامت و حسن پرورش وی از آنان سلب کند. همچنان‌که در کنوانسیون نیز ضمن بند ۱ ماده ۹ مقرر شده: «کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می‌نمایند که کودکان علی‌رغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند؛ مگر در مواردی که مقامات ذی‌صلاح مطابق قوانین و مقررات و پس از بررسی‌های قضایی، مصمم شوند که این جدایی به نفع کودک است. این‌گونه تصمیمات ممکن است در موارد بخصوصی از قبیل سوءاستفاده و یا بی‌توجهی والدین کودک و یا هنگام جدا شدن والدین از یکدیگر ضرورت یابد و در این صورت باید در مورد محل اقامت کودک تصمیمی اتخاذ شود. در این‌گونه موارد دولت موظف است مراتب لازم برای نگهداری صحیح و پرورش مناسب کودک را در مراکز خاص با ترتیبات ویژه‌ای فراهم سازد (بفت، ۱۳۹۹، ص ۵۶-۵۷).

در ارزیابی کلی از کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹ باید گفت اصول بیان‌شده در این کنوانسیون بیانگر نیازمندی‌های اساسی و بنیادین کودکان و نیز تکالیف خانواده، جامعه و دولت در اجابت نیازهای آنان و دربردارنده تدابیر اجرایی در حمایت از کودکان است. با وجود اینکه کنوانسیون از نقاط قوت و محاسنی برخوردار است، به نوبه خود ایراداتی نیز بر آن وارد شده است (ر.ک: پورقهرمانی، ۱۳۸۳). ماده یکم کنوانسیون حقوق کودک صرفاً حداکثر سن را برای کودک‌انگاری مقرر کرده است و به لحاظ حداقل ساکت است (صفری و زهروی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۶). بر خلاف کنوانسیون حقوق کودک در فقه شیعه، سن کودک از زمان انعقاد نطفه تا رسیدن به سن بلوغ و رشد است (ر.ک: آذربایجانی، ۱۳۸۱). کنوانسیون ۱۸ سال را به‌طور مطلق برای پسر و دختر در نظر گرفته است و اشاره‌ای به آغاز دوره کودکی ندارد و بیشتر مواد آن می‌تواند فقط درباره زمان پس از تولد کودک مصداق داشته باشد (فهرستی و نظری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵). در حقوق ایران حتی برای جنین از زمان انعقاد نطفه نیز حقوقی در نظر گرفته شده؛ از جمله وصیت به نفع حمل، حق ارث، وصیت، وقف کردن. نفقه نیز از ویژگی‌های متمایزکننده فقه و حقوق اسلامی با اسناد بین‌المللی است (عالمی و طایی، ۱۴۰۰،

ص ۱۸۱). ماده ۳۰ کنوانسیون حق کودکان اقلیت و بومی را در بهره‌مندی از فرهنگ خودشان حمایت کرده است؛ ولی هیچ توضیح و تعریفی از واژه‌های «فرهنگ» یا «کودکان اقلیت و بومی» در این کنوانسیون بیان نشده است. هیچ‌یک از مواد این کنوانسیون یا مجموعه توصیه‌های الحاقی به آن به‌طور صریح حق کودک را برای حفظ هویت فرهنگی یا پیوندهای باارزش که از اجزای هویت فردی قلمداد می‌شوند، حمایت نکرده است (معینی فر، ۱۳۹۱، ص ۸). در ماده دو کنوانسیون حقوق کودک آمده: «کشورهای طرف کنوانسیون حقوقی را که در این کنوانسیون در نظر گرفته شده، برای تمام کودکانی که در حوزه قضایی آنها زندگی می‌کنند، بدون هیچ‌گونه تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، مذهب، زبان، عقاید سیاسی، ملیت، جایگاه قومی و اجتماعی، مال، عدم توانایی، تولد و سایر احوال شخصیه والدین یا قیم قانونی محترم شمرده و تضمین خواهند نمود». بنا بر قید «تولد» که در این ماده کنوانسیون آمده، میان کودکان مشروع و نامشروع از لحاظ برخورداری از حقوقی که در این کنوانسیون برای کودک در نظر گرفته شده، تفاوتی قائل نیست (ر.ک: آذربایجانی، ۱۳۸۱).

بنابراین با وجود اینکه کنوانسیون نقاط قوت و محاسنی دارد، به نوبه خود ایراداتی نیز بر آن وارد است. در تربیت کودک و ترسیم مسیر زندگی او نیز بر مبنای آموزه‌های همه ادیان الهی به‌ویژه اسلام این هدف و غایت باید مدنظر قرار گیرد؛ ولی در قسمت‌های مختلف کنوانسیون، از این هدف غفلت شده و حتی در برخی مواد مغایر با این هدف دینی است. تأکید بر استقلال کودک حتی اگر مستلزم جدایی و دوری از پدر و مادر شود که در برخی مواد کنوانسیون وجود دارد، آیا در همه موارد از مصادیق حمایت از کودک و در راستای دستیابی او به منافع عالی است؟ این در حالی است که جز در موارد استثنایی مانند جنگ، اعتیاد، صلاحیت اخلاقی نداشتن والدین و... این اعطای استقلال تأمین‌کننده مصالح کودک نیست. همچنین در کنوانسیون از نقش اساسی نظارت و کنترل والدین غفلت شده است. مواد متعددی در این معاهده وجود دارد که تلویحاً آزادی مطلق (بدون محدودیت سنی یا در قلمرو خاص) را برای کودک تجویز می‌کند یا هرگونه دخالت، نظارت و مراقبت در امور کودکان را منع می‌کند:

ماده سیزده، بند یک: «کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده است. این حق شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ‌شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب

کودک است». بنابراین هرگونه نظارت و مراقبتی نیز بر او ممنوع می‌شود. آیا این امر موجب آشفتگی فکری و روانی کودک نمی‌شود؟ یکی دیگر از ایرادات وارد بر این کنوانسیون، نادیده انگاشتن تفاوت زن و مرد است؛ برای نمونه در ماده ۲۹ چنین آمده است: «کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌کنند موارد ذیل باید جزو آموزش و پرورش کودکان باشد... آماده کردن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای سرشار از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی میان تمام مردم، گروه‌های بومی، مذهبی، ملی و اشخاص دیگر» (جعفری و اسماعیل پور، ۱۳۹۸، ص ۱۳۷).

ماده چهارده، بند یک: «کشورهای طرف کنوانسیون حق آزادی فکر، عقیده و مذهب را برای کودک محترم خواهند شمرد». ماده پانزده، بند یک: «کشورهای طرف کنوانسیون حقوق کودک را در مورد آزادی تشکیل اجتماعات و مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت می‌شناسند». هرگونه نظارت و دخالت در امور خصوصی کودک نیز بر اساس ماده شانزده، منتفی و ممنوع شده است. ماده شانزده: «در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودک نمی‌توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود». در این ماده هیچ‌گونه استثنا برای والدین یا برنامه خاصی برای بهداشت و سلامت عمومی یا امور اخلاقی کودک مشاهده نمی‌شود (ر.ک: حبیبی، ۱۳۸۱). کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ به عنوان قانون اساسی جهانی حقوق بشر کودک به حمایت همه‌جانبه از کودک در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی و... پرداخت؛ اما این سند که در میان اسناد حقوق بشری، فراگیرترین آنها از حیث الحاق دولت‌های عضو جامعه بین‌الملل قلمداد می‌شود، نه تنها نتوانست دایره جنایات علیه کودکان در سطح جهانی را محو کند؛ بلکه پیشرفت فناوری در عصر انفجار اطلاعات موسوم به «دهکده جهانی» به پیچیدگی ارتکاب بسیاری از جرایم انجامید که عزم جدی‌تر برای مبارزه فراگیر را می‌طلبد (نیکبختی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۷).

۳. حمایت از کودکان و نوجوان در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، با وضع قانونی تحت عنوان «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱» کودک آزاری به صراحت ممنوع اعلام شده است. ماده ۱ این قانون، بر خلاف قوانین پیشین و به منظور همسویی بیشتر با کنوانسیون حقوق کودک، دایره شمول شناسایی این حق را بدون ضابطه جنسیتی، افزون بر کودکان به همه اشخاص تا

هجده سالگی افزایش داده است. بر اساس ماده ۴ این قانون: «هرگونه خشونت و شکنجه جسمی و روحی کودکان، اذیت و آزار و نادیده گرفتن عمدی حقوق کودک از جمله سلامت و بهداشت روانی، جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد» (بیگی، ۱۳۹۸، ص ۴۱). این قانون همه اشخاص زیر هجده سال را به عنوان کودک یا نوجوان حمایت می‌کند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۷، ص ۱۹). در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ کودک آزاری جرم عمومی شناخته شده؛ اما سازوکارهای شناسایی و تعقیب در آن تعیین نشده است؛ ضمن آنکه مجازات‌های مقرر در این زمینه بازدارنده نیستند. متأسفانه بیشتر موارد کودک آزاری از سوی والدین رخ می‌دهد که به نوعی از مجازات‌های تعیین شده مصون‌اند. ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی به والد کودک حق تنبیه او را با هدف تأدیب و حفاظت داده است. هرچند به استناد این ماده، والدین نمی‌توانند فرزند خود را خارج از دایره متعارف تنبیه بدنی کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۷۱۲)، در قانون، حد متعارف تنبیه برای تأدیب تعیین نشده است (کوکبی سقی، ۱۳۹۹، ص ۴۱۳). در ماده ۵ این قانون، کودک آزاری از جرایم عمومی است و به شکایت شاکی خصوصی نیاز ندارد (صالحی و اسماعیل پور، ۱۳۹۳، ص ۱۳۱).

در این قانون به صراحت به آزار یا سوءاستفاده جنسی یا عمل منافی عفت اشاره نشده است؛ بلکه تنها در مواد ۲ و ۴ می‌توان مفهوم آن را در واژگانی مانند «صدمه جسمانی یا روانی یا اخلاقی» مشاهده کرد. در این ماده اشاره می‌شود در صورتی که عمل منافی عفت مشمول مجازات حد نباشد، به مجازات مقرر محکوم خواهد شد؛ به این ترتیب این ماده شامل زنا و لواط نخواهد شد (سیدی بنابی و موسوی تبار، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸-۱۰۹). این قانون نواقصی داشت تا اینکه لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان در اردیبهشت ۱۳۹۹ به تصویب رسید که نسبت به قانون پیشین نوآوری‌هایی دارد. این قانون که دارای ۵۱ ماده و ۱۵ تبصره است، به لحاظ ماهوی و شکلی دستاوردهای خوبی دارد. در این قانون، افزون بر محاکم و ضابطان، برای دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی در سطح کشور نیز تکالیفی در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن توجه به بزه‌دیدگی کودکان است. آسیب‌پذیری کودکان در ابعاد گوناگون از جمله در حوزه خانواده، منجر شده نظام‌های حقوقی با هدف حمایت از کودکان بزه‌دیده خشونت

خانوادگی، به درپیش گرفتن یک سیاست جنایی افتراقی روی آورند. البته نگاه قانونی و قضایی در قانون یادشده پررنگ تر است.

۴. حقوق کودکان بزده‌دیده از خشونت‌های خانگی در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹

در ایران قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ فرصت مناسبی را در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان ایجاد کرده و البته لازم است به موازات گذر زمان و اجرای مفاد قانون، چالش‌های آن نیز شناسایی و در جهت رفع آن اقدامات لازم انجام شود. در ادامه این نوآوری‌ها تحلیل و بررسی می‌شوند. ماده ۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان، نتایج زیر واقع شود، مقصر علاوه بر پرداخت دیه، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف) فوت طفل یا نوجوان حسب مورد به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

ب) فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا ازکارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعب‌العلاج یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحی از نوع جائفه یا بالاتر حسب مورد به مجازات درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

پ) نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضا و یا بروز بیماری روانی به مجازات حبس درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛

ت) جراحی سر و صورت و یا گردن در صورت عدم شمول هر یک از بندهای ب و پ به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛

ث) آزار جنسی یا عاطفی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر حسب مورد به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی».

تبصره: «هرگاه بی‌توجهی یا سهل‌انگاری والدین منجر به نتایج موضوع این ماده شود، حسب مورد به مجازات تا حداقل مندرج در بندهای فوق محکوم می‌شوند». صدر ماده ۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان والدین را از اشخاص دیگر در بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص درباره کودکان و نوجوانان منتهی به فوت یا صدمات یا نقصان یا جراحی یا ... مستثنا کرده است؛ در حالی که قانون مصوب ۱۳۸۱ و نگارش اولیه لایحه با عنوان

«بی احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم مهارت‌های منتهی به صدمات» اقدامات والدین و اشخاص دیگر را یکسان دانسته بود؛ هر چند تبصره ماده فوق به اقدامات والدین اشاره کرده و والدین را مشمول حداقل مجازات‌های این ماده بیان نموده است. در فحوای تبصره که بر شمول حداقل مجازات برای والدین اشاره کرده، حمایت از اقدامات تربیتی والدین مستتر است. در این زمینه شش‌ایان ذکر است که در بین مواد ۷ تا ۲۷ که به موضوع جرایم و مجازات‌ها پرداخته است، تنها صدر ماده ۹ اقدامات والدین را مستثنا کرده و در تبصره به آن اشاره نموده است و در مواد دیگر یا به صراحت به والدین نیز اشاره کرده و یا با بیان «هر کسی...» والدین را نیز در موضوعات مطروحه تحت پوشش قرار داده است.

مستثنا کردن والدین با تبصره این ماده که در صورت بی‌توجهی و سهل‌انگاری دربارهٔ کودکان و نوجوانان به فوت یا صدمات یا نقصان یا جراحت یا ... بینجامد، به حداقل مجازات محکوم می‌شوند، به نظر اقدام صحیحی نیست؛ چه اینکه میزان بی‌توجهی و سهل‌انگاری در وقوع فوت یا صدمات تأثیر دارد و ممکن است میزان سهل‌انگاری والدین با میزان مجازات حداقلی تناسب نداشته باشد. بنابراین بهتر بود در این ماده نیز مانند مواد دیگر این فصل، والدین و سایر اشخاص در یک میزان مورد سنجش مجازات قرار می‌گرفتند. (همان). در بعد حقوقی، تنبیه کودکان و نوجوانان توسط هر کس و به هر قصدی باشد، دارای عنوان مجرمانه است. هر چند پاره‌ای اوقات تنبیه به منظور تأدیب است؛ اما جرم و در صورت تعزیری بودن کیفر، فقط می‌تواند به دلیل داشتن انگیزه شرافتمندانه، موجبات تخفیف را به دنبال داشته باشد. تنها علل موجهه در باب تنبیه کودکان و نوجوانان، ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی است. به موجب بند ت این ماده، اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد، قابل مجازات نیست (اردبیلی، ۱۳۹۴، ص ۲۶۰). طبق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان خشونت مستمر والدین، اولیا و سرپرستان قانونی در صورتی که به بزه دیدگی طفل یا نوجوان منجر شود، وضع مخاطره‌آمیز به شمار می‌رود و موجب حمایت‌های قانونی از کودک یا نوجوان می‌شود.

۱-۴. تقسیم وظایف برای هریک از نهادها

این قانون بر خلاف قانون پیشین، اختیارات گسترده‌ای را برای مراجع غیرقضایی یعنی

سازمان بهزیستی و نیز سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه حقوق کودکان در نظر گرفته است (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸، ص ۱۲). فرایند پیشگیری از جرم که دارای رویکرد حمایتی است و تمام نهادهای مرتبط باید در آن درگیر شوند، در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز پیش‌بینی شده و به نهادهای مرتبط با اطفال و نوجوانان تکالیفی سپرده شده است. طبق قانون، دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان به منظور ایجاد زمینه‌های همکاری با نهادهای دیگر در قوه قضائیه تشکیل می‌شود و میان دستگاه‌های گوناگون، هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد؛ برای نمونه سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، وزارت کشور، سازمان ثبت‌احوال، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش و سازمان صداوسیما هر کدام تکالیفی بر عهده دارند. بدیهی است در صورتی که حتی یک نهاد در انجام وظایف خود کوتاهی کند، فرایند منظم و منسجم حمایت از کودکان و نوجوانان دچار اختلال می‌شود (ابرنادآبادی و هاشمی‌بیگی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۱). در رابطه با گزارش بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان دو روش دیگر نیز پیش‌بینی شده است:

در یک مورد گزارش دادن تکلیفی بر عهده افراد است و در دیگری این حق برای خود کودک یا نوجوان شناخته شده است که درخواست رسیدگی به وضع خود را بنماید. به موجب این قانون، هر کس از وقوع جرم یا آغاز به آن یا خطر شدید و قریب‌الوقوع علیه طفل یا نوجوانی مطلع بوده یا شاهد وقوع آن باشد و با وجود توانایی اعلام و گزارش به مقامات یا مراجع صلاحیتدار و کمک طلبیدن از آنها از این امر خودداری کند، به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. همچنین در قانون پیشین فقط گزارش موارد کودک‌آزاری الزامی بود؛ اما در این قانون، پیش از روی دادن جرم و تحت شرایطی، افراد تکلیف به گزارش دارند. قانون‌گذار افراد را مکلف کرده در صورت دسترسی نداشتن به مقامات و مراجع صالح به منظور اعلام بزه‌دیدگی یا بی‌تأثیری دخالت آنها در رفع تجاوز و خطـر، فرد مربوطه از اقدامات فوری و متناسب برای جلوگیری از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن خودداری کند؛ مشروط بر اینکه با این اقدام، خطری مشابه یا شدیدتر و یا خطر کمتر قابل توجهی متوجه خود او یا دیگران نشود، به مجازات اخیرالذکر محکوم می‌شود. در مواردی ممکن است جرایم علیه کودکان و نوجوانان در زمان یا

مکانی صورت گیرد که هیچ کس دیگری غیر از مرتکب و کودک یا نوجوان در آن حضور ندارد. برای نمونه در جرایم ضد عفت چنین حالتی متصور است. قانون‌گذار در چنین فرض‌هایی نیز درخواست فرد قربانی جرم را - حتی اگر بزه‌دیده طفل باشد - به عنوان جهتی قانونی برای آغاز رسیدگی ذکر کرده است. هرچند در مقررات، طفل به‌ویژه طفل غیرمتمیز اهلیت اقامه دعوا ندارد؛ اما در مورد بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان، قانون‌گذار به قواعد حمایتی توجه داشته و درباره اهلیت ایشان با تسامح برخورد کرده است.

سازمان‌های بهزیستی، نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها، آموزش و پرورش، وزارت کشور، ثبت‌احوال و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وظایف کاملاً مشخصی دارند. در این قانون به نقش مددکاران اجتماعی بهزیستی پس از آگاهی از وضع مخاطره‌آمیز برای کودکان نیز تصریح شده است. آنان می‌توانند از والدین و سرپرستان قانونی و دیگر افراد مرتبط با کودک و نوجوان دعوت و تحقیقات کنند و به محل سکونت، اشتغال و تحصیل کودک بروند و حتی اگر خطر شدید و قریب‌الوقوعی را دریافت کنند، می‌توانند بلافاصله در حدود وظایف و اختیارات قانونی یا مشارکت و کمک اولیا برای رفع خطر و کاهش آسیب اقدام نمایند و در موارد ضروری، کودک را از محیط خطر دور کنند و حتی به مراکز مربوط منتقل کنند و سپس ظرف دوازده ساعت به دادستان اطلاع دهند. دادستان بر اساس نظر کارشناسان مددکاری اجتماعی می‌تواند به خروج کودک از محیط خطر و انتقال او به مکان مطمئن و امن مانند بهزیستی یا سپردن به شخص مورداطمینان اقدام کند یا حتی در مواردی که مصلحت کودک و نوجوان ایجاب می‌کند، در خصوص حضانت، ولایت، قیمیت، سرپرستی، ملاقات، عزل ولی قهری، سپردن به خانواده جایگزین یا مراکز بهزیستی و یا بازپروری یا خانه امن اقدام کند.

تأکید بر نقش تخصصی مددکاران اجتماعی ناشی از تأثیر رویکرد اجتماعی و نگاه بزه‌دیده به طفل و نوجوان به جای رویکرد قضایی - امنیتی صرف و بزهکار دانستن کودکان و نوجوانان است. حسب تکلیف مقرر در بندهای ۱ و ۲ قسمت «ج» ماده ۶ قانون یادشده، مدارس، مدیریت‌های آموزش و پرورش شهرستان‌ها، مناطق و نواحی تحت پوشش اداره کل آموزش و پرورش استان مکلف‌اند ضمن شناسایی مصادیق اوضاع مخاطره‌آمیز (از جمله ثبت نام نکردن و مشکوک به ترک تحصیل، بازماندگان از تحصیل، فرار از خانه یا مدرسه و...)، مضمولان قانون را احصا کنند و ضمن ارشاد و راهنمایی این افراد و اولیا یا

سرپرستان آنان، مراتب را حسب مورد به معاونت آموزش ابتدایی یا معاونت آموزش متوسطه استان ارسال کنند تا این مراجع موضوع را جهت اقدامات حمایتی یا قضایی حسب مورد به اداره کل بهزیستی استان یا واحد حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری کل استان و حوزه قضایی مربوط اعلام کنند.

نخستین گام در این قانون، تحلیل و شناسایی آسیب‌هایی است که کودکان در معرض آن هستند. این آسیب‌ها عبارت‌اند از بی‌توجهی و سهل‌انگاری که مفهومی گسترده است و برای حمایت از کودکان در این قانون به آنها توجه شده است. منظور از کوتاهی و سهل‌انگاری، بی‌توجهی والدین در انجام تکالیفی است که در قبال کودکان خود موظف به انجام آن هستند. آسیب دیگر سوءرفتار است. این واژه هم کلی است و هرگونه فعل و ترک فعل عمدی که به سلامت اخلاقی و اجتماعی کودک آسیب بزند، مانند توهین، تأدیب و... را در بر می‌گیرد. فحشا و هرزه‌نگاری نیز از بحث‌هایی است که با گسترش فضای مجازی گسترش یافته و در این قانون به‌طور خاص به آن توجه می‌شود (ر.ک: یزدان و زاهدیان، ۱۳۹۶). طرد شدن کودک و نوجوان از سوی خانواده و کم‌توانی جسمی و روانی کودکان زیر هجده سال یا اختلال هویت جنسیتی و بزهکاری کودکان نیز در این قانون مورد توجه قرار گرفته است. در این قانون، افرادی که مرتکب بزهکاری می‌شوند و کمتر از هجده سال دارند، به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز که نباید با آنها رفتار کیفی شود، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در این قانون به جدا نشدن کودک از خانواده توجه شده و در ماده ۵ بند «پ» به ایجاد شرایط لازم در خانواده برای کودکان در معرض خطر یا بزه‌دیده توجه شده است. همچنین در ماده ۴۳ دادستان می‌تواند والدین و خانواده‌ها را مکلف به دریافت مجوزهایی برای نگهداری از فرزندان کند. در ماده ۳۲ نیز به مددکاران اجتماعی و بهزیستی اختیارات بسیاری داده شده است و گفته شده اگر مددکار موقعیت مخاطره‌آمیز کودک را تشخیص دهد، می‌تواند کودک را از آن خانه و محیط خارج کند. در ماده ۳۶ این بحث شده است که در حوزه خانواده، مداخلات بیشتری صورت بگیرد و در صورت نیاز و احتمال خطر برای کودک، سریع او را از آن محیط خارج کنند. در ماده ۴۲ نیز دادگاه می‌تواند تصمیماتی بگیرد و در زمینه حضانت، ملاقات و... محدودیت‌هایی ایجاد کند. همچنین در ماده ۲۲ در بندهای مختلف به صراحت اشاره شده اگر در برخی جرایم، خانواده و

سرپرستان به کودک بی تفاوت باشند یا باعث جرم شوند، مجازات برای آنها تشدید می شود (ر.ک: قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹).

۲-۴. تخصیص دادگاه برای رسیدگی به جرایم علیه کودکان و نوجوانان

تا پیش از تصویب قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، جرایم علیه کودکان و نوجوانان از جمله کودک آزاری در دادگاه‌های عمومی رسیدگی می شدند؛ اما طبق ماده ۲۸ قانون جدید، دادگاه‌های تخصصی در مورد این جرایم پیش‌بینی شده‌اند. این دادگاه‌ها تخصصی هستند و به جرایم علیه اطفال و نوجوانان رسیدگی می کنند. این تخصصی کردن هم شامل داسرا و دادگاه کیفری و هم شامل دادگاه خانواده است؛ زیرا پاره‌ای از دعاوی مربوط به اطفال و نوجوانان باید در دادگاه خانواده رسیدگی شود؛ مانند سرپرستی یا حکم حضانت؛ چراکه به موجب ماده ۲۹ رسیدگی به وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع این قانون جز در مواردی که در صلاحیت دادگاه کیفری است، در صلاحیت دادگاه خانواده است. ماده ۳۱ قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان نیز تمام جرایم موضوع قانون را دارای جنبه عمومی می داند که بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است و در صورت گذشت شاکی خصوصی نیز تعقیب موقوف نخواهد شد. مطابق ذیل ماده، حتی در صورتی که کودک یا نوجوان قربانی جرم نشده باشد؛ ولی احتمال بزه دیدگی او وجود داشته باشد، واحد مددکاری مرجع قضایی مزبور در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض خطر تشخیص دهد، مکلف به اعلام موضوع به قاضی مربوط است (ر.ک: تقی زاده زانوقی، ۱۳۹۹).

۵. تطبیق قانون حمایت از کودکان ۱۳۹۹ با کنوانسیون حقوق کودک

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در پنج فصل و پنجاه و یک ماده در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ تصویب شد. پرسش این است که قانون پیش‌رو تا چه حد با تعهدات بین‌المللی ایران به موجب اسناد حقوق بشری انطباق دارد و آیا قابلیت جلوگیری و کاهش خشونت خانگی را دارد؟ قانون جدید چه میزان با تعهدات بین‌المللی کشور هم‌پوشانی دارد؛ به‌ویژه وفق کنوانسیون حقوق کودک که ایران با درج شرطی مبهم و کلی به آن پیوسته است. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که کنوانسیون حقوق کودک را در پنجم سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی امضا و در اگوست ۱۹۹۴ میلادی (اسفند ماه ۱۳۷۲) تصویب کرده است. دولت

جمهوری اسلامی ایران در هنگام امضای کنوانسیون به این شرح، اعلام حق شرط کرده است:

«جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد، حق شرط می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب، چنین حق شرطی را اعلان نماید». مجلس شورای اسلامی طی ماده واحده‌ای، الحاق به کنوانسیون را با همین قید کلی ملزم نبودن به موارد مغایر با موازین اسلامی و قوانین داخلی تصویب کرد. متن ماده واحده چنین بود:

«کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود؛ مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و در هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، لازم‌الرعايه نباشد». با وجود این شورای نگهبان در نظریه شماره ۵۷۶۰ - ۱۳۷۲/۱۱/۴ خود به مجلس، موارد مخالفت کنوانسیون با موازین شرع را به‌طور مشخص اعلام داشته است؛ موارد مشخص شورای نگهبان عبارت بودند از: بند ۱ ماده ۱۲ (آزادی عقیده)، بند ۱ ماده ۱۳ (آزادی بیان)، بند ۲ ماده ۱۳ (محدودیت‌ها درباره حق یادشده)، بند ۱ ماده ۱۴ (آزادی فکر و عقیده و مذهب)، بند ۳ ماده ۱۴ (محدودیت‌ها درباره حق یادشده)، بند ۲ ماده ۱۵ (محدودیت درباره حق آزادی تشکیل اجتماعات و شرکت در آنها)، بند ۱ ماده ۱۶ (منع دخالت در امور شخصی و خانوادگی) و بند ۱ قسمت ۱ ماده ۲۹ (جهت‌گیری آموزش کودک).

مجلس شورای اسلامی پس از دریافت نظر شورای نگهبان، با اصلاح یک عبارت کوچکی در متن ماده واحده عبارت «باشد» و «یا» را پس از کلمه «اسلامی» و پیش از عبارت «قرار گیرد»، افزود و آن را تصویب کرد و در واقع با این عبارت، شورای نگهبان یک حق تحفظ کلی را پذیرفت و مصوبه مجلس را تأیید کرد؛ بدین صورت: «و ... مشروط بر اینکه مفاد آن در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد». به هر صورت هر جا مقررات کنوانسیون با قوانین داخلی کنونی یا قوانین مصوب بعدی مغایر تشخیص داده شد، این مقررات برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نیست. البته برخی در این مورد معتقدند دولت ایران با گنجانیدن چنین شرطی در حقیقت پذیرفته بین قوانین داخلی و مفاد کنوانسیون مغایرت اساسی وجود ندارد و فقط در موارد جزئی، قوانین

داخلی و موازین اسلامی ارجح است و استدلال خلاف آن نقض غرض خواهد بود (ر.ک: پورقهرمانی، ۱۳۸۳). در جدول ذیل برای انطباق مقرره‌های دو سند، تنها به متن کنوانسیون بسنده نشده است؛ بلکه در راستای ارزیابی میزان انطباق، نظریه‌های تفسیری کمیته حقوق کودک^۱ نیز مطمح نظر بوده‌اند.

ردیف	اهم تعهدات مستخرج از پیمان‌نامه ۱۹۸۹	شماره مواد	قانون حمایت از کودکان و نوجوانان
۱	منع تبعیض	۲	-
۲	منافع عالی	۳	۳، ۵، ۶، ۱۷، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۷
۳	تعهدات والدین	۱۸، ۵	-
۴	حق حیات	۶	۳، ۹، ۱۴
۵	حق ثبت ولادت و تابعیت	۷	۳، ۶ (ت)
۶	دارا بودن شخصیت حقوقی	۸	۱۹
۷	منع جدایی کودکان از والدین مگر در شرایط مشخص و به موجب قانون	۲۰، ۹	۴۵، ۴۶، ۴۷
۸	ایجاد بستر مناسب برای پیوستن والدین و کودکان برای ورود یا ترک کشور	۱۰	۳، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴
۹	جرم‌انگاری قاچاق کودکان و اتخاذ اقدامات مناسب	۳۵، ۱۱	۳، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۲
۱۰	حق شنیده شدن (حق مشارکت)	۱۲	۳۰ (الف)، ۳۲ (الف)، ۳۸
۱۱	آزادی بیان	۱۳	۳۰، ۳۲ (الف)، ۳۸
۱۲	آزادی فکر، عقیده و مذهب	۱۴	-
۱۳	آزادی تشکل‌ها و اجتماعات مسالمت‌آمیز	۱۵	-
۱۴	حریم خصوصی	۱۶	۱۹

1. United Nations, General comment No. 25 (2021) on children's rights in relation to the digital environment, (2021), Committee on the Rights of the Child.

۱۵	آزادی دسترسی به اطلاعات	۱۷	-
۱۶	همکاری نهادهای دولتی برای کمک به والدین در جهت اجرای وظایف	۱۸	۴۴، ۴۳، ۴۲، ۳۳، ۵
۱۷	منع خشونت، مجازات‌ها مناسب برای ناقضان به‌جز والدین	۱۹، ۳۸	۳، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۷
۱۸	مجازات و محدودیت‌های مناسب والدین ناقض	۱۹	۷، ۸، ۹ (تبصره)، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۴۲
۱۹	فرزندخواندگی	۲۱	۳۶
۲۰	حقوق مرتبط با کودکان پناهنده یا خواهان پناهندگی	۲۲	۳
۲۱	حقوق کودکان دارای نقض عضو و ناتوان ذهنی	۲۳	۳
۲۲	حق بر سلامت و تأمین اجتماعی	۲۴، ۲۵، ۲۶	۶ (ج)، ۹
۲۳	حق بر آموزش و محتوای مناسب آموزشی	۲۸ و ۲۹	۳، ۶ (ج)، ۷، ۸
۲۴	حق برخورداری از فرهنگ متمایز	۳۰	-
۲۵	حق بر تفریح، بازی و شادی	۳۱	-
۲۶	منع تمام اشکال استثمار اعم از اقتصادی، جنسی و شکل‌های دیگر سوءاستفاده	۳۲، ۳۴ و ۳۶	۳، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۲۲
۲۷	منع استفاده غیرقانونی از مواد مخدر و محرک	۳۳	۱۶
۲۸	منع شکنجه	۳۷	۳، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴
	مجازات اعدام و مجازات‌های فراقضایی	۳۷	-
	مجازات مناسب کودکان	۳۷	۶ (پ)، ۲۳
۲۹	منع کودک‌سرباز	۳۸	-
۳۰	همکاری‌های دولتی برای تسریع بهبودی جسمی و روانی و سازش اجتماعی کودک قربانی	۳۹	۵، ۶، ۴۵، ۴۷
۳۱	حقوق مرتبط با دادرسی عادلانه، قانونی بودن جرم و مجازات، تعیین سن مسئولیت کیفری	۴۰	۲۸، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۸
۳۲	اطلاع‌رسانی در مورد حقوق کودکان	۴۲	۶ (ج)

مطالعه تطبیقی میان دو سند گویای آن است که قانون جدید در بسیاری از جنبه‌ها پوشش مناسبی نسبت به تعهدات ناشی از پیمان‌نامه ۱۹۸۹ ارائه می‌دهد. مقرره‌هایی از جمله مواد ۱۷، ۱۹، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳ و ۴۴ در صورت اجرای مناسب از سوی نهادهای موظف در کاهش و احتمالاً جلوگیری از رویدادهای خشونت خانگی نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

در عین حال قانون جدید احتمالاً انتقادهای وارد به شرط^۱ درج‌شده دولت ایران در زمان امضا و تصویب پیمان‌نامه ۱۹۸۹ را پاسخ می‌دهد. در مورد مفهوم خلاف موضوع و هدف بودن معاهده همان‌طور که در پاراگراف ۵۵ گزارش دهم مخبر کمیسیون در رابطه با شرط بر معاهدات^۲ اشاره شده، ضروری نیست به دنبال بررسی دقیق و جزء به جزء مقرره‌های یک معاهده باشیم و استخراج ماهیت و هدف کلی آن کفایت می‌کند. راهنمای ۳/۱/۵ اشعار می‌دارد موضوع و هدف یک معاهده، مقرره‌های اساسی هستند که مفاد آن را تشکیل می‌دهند. کمیته حقوق بشر نیز در بند ۸ نظریه تفسیری شماره ۲۴ خود^۳ شرطی را مغایر موضوع و هدف معاهدات حقوق بشری می‌داند که بر قواعد آمره درج شده باشد؛ با پذیرش دیدگاه کمیته حقوق بشر، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان همان‌طور که در جدول فوق نشان داده شده، از برخی جهات در راستای تحقق اهداف پیمان‌نامه ۱۹۸۹ گام برداشته است؛ برای نمونه همان‌گونه که مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص

1. <https://treaties.un.org/Pages/PageNotFound.aspx>.

2. RESERVATIONS TO TREATIES [Agenda item 6] DOCUMENT A/CN.4/558 and Add.1-2* Tenth report on reservations to treaties by Mr. Alain Pellet, Special Rapporteur, [1, 14 and 30 June 2005], https://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_558.pdf.

3. RESERVATIONS TO TREATIES [Agenda item 6] DOCUMENT A/CN.4/558 and Add.1-2* Tenth report on reservations to treaties by Mr. Alain Pellet, Special Rapporteur, [1, 14 and 30 June 2005], https://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_558.pdf.

4. United Nations, International covenant on civil and political rights, CCPR/C/21/Rev.1/Add.6 11 November 1994, <https://undocs.org/CCPR/C/21/Rev.1/Add.6>.

قواعد آمره، آقای تلادی، در گزارش چهارم^۱ خود منع شکنجه را یک قاعده آمره معرفی کرده، در قانون جدید مورد توجه بوده است (CCPR/C/21/Rev.1/Add.6, 11 November 1994, para 8). اما مقرره‌هایی که به موضوعاتی همچون آزادی فکر، وجدان و مذهب می‌پردازند و منع اعدام‌های فراقضایی^۲ پیش‌بینی نشده است. تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، گزارش دوره‌ای ایران^۳ مبنی بر اینکه اگرچه پیمان‌نامه را با شرط پذیرفته؛ اما به صورت مستمر تلاش کرده مقرره‌های این سند را تا حد ممکن کاملاً اجرا نماید را اثبات می‌کند (ر.ک: شفيعی، ۱۴۰۰). کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۱ خود کودک را چنین تعریف می‌کند: «منظور از کودک افراد انسانی زیر هجده سال است؛ مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، طبق این ماده، تشخیص «کودک» به قوانین داخلی هر کشور وابسته است و این امر مشکلاتی را پدید می‌آورد. در ایران نیز هر چند طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است»؛ اما طبق ماده ۷۹ قانون کار «به کار گماردن افراد کمتر از پانزده سال تمام ممنوع است». طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه سال ۸۵ که مورد تأیید شورای نگهبان هم قرار گرفت، سن رأی‌دهندگان به هجده سال تغییر کرد؛ بنابراین وجود چنین تناقض‌هایی در قوانین و نبود یک تعریف جامع و کامل، مانع از برنامه‌ریزی درست برای این قشر می‌شود.

در ماده ۵ کنوانسیون، دولت‌های عضو به وظایف، حقوق و مسئولیت‌های والدین یا

1. Official Documents System of the United Nation, <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N19/024/33/PDF/N1902433.pdf?OpenElement>.

2. United Nations, General Assembly, International Law Commission Seventy-first session Geneva, 29 April–7 June and 8 July–9 August 2019 Fourth report on peremptory norms of general international law (jus cogens) by Dire Tladi, Special Rapporteur*, A/CN.4/727, <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N19/024/33/PDF/N1902433.pdf?OpenElement>.

3. United Nations, Committee on the Rights of the Child Concluding observations on the combined third and fourth periodic reports of the Islamic Republic of Iran, General 14 March 2016, CRC/C/IRN/CO/3-4, <https://undocs.org/en/CRC/C/IRN/CO/3-4>.

سرپرست قانونی کودک توجه لازم را می‌کنند تا در رابطه با حقوق کودک مندرج در این کنوانسیون کوتاهی نشود. متأسفانه کودکان طلاق و اختلافات خانوادگی بیشتر قربانی تصمیمات یک‌سویه پدر و مادر و خانواده‌ها و تصمیمات غیر کارشناسی دادگاه‌ها در تعیین تکلیف سرنوشت آنها، بدون هرگونه جلب نظر یا تمایل آنها هستند. به دنبال ماده ۹ بند ۱ مندرج در این کنوانسیون، هرگاه کودک یا والدین او درخواست خروج از کشور یا ورود به کشور دیگری را برای پیوستن به اعضای خانواده خودشان دارند، حکومت ترتیب این امر را به طور انسانی و سریع می‌دهد. کودکی که والدین او در کشورهای متفاوت به سر می‌برند، حق دارد با هر دوی آنها به طور شخصی، منظم و مستقیم تماس داشته باشد؛ مگر در صورت وجود شرایط استثنایی؛ مثلاً به خاطر حفظ امنیت ملی یا نظم و اخلاق عمومی، لطمه به آزادی و حقوق دیگری. حکومت‌ها بر پایه ماده ۹ بند ۱ کنوانسیون به رعایت حق کودک و والدین مبنی بر با هم بودن آنها مکلف‌اند. اما برابر قوانین ایران، صدور گذرنامه برای فردی که به هجده سالگی نرسیده، به اجازه پدر یا جد پدری وابسته است. ماده ۱۸ کنوانسیون به نگهداری کودک توسط والدین (مسئولیت مشترک والدین) اشاره دارد: دولت‌ها تأکید و تضمین می‌کنند که پدر و مادر هر دو با هم مسئول تربیت و رشد کودک هستند. در قوانین ایران با وجود پذیرش حق و تکلیف والدین در نگهداری و مراقبت و تربیت از کودک به موجب ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی حق حضانت قانونی و رسمی مادر بر فرزندان خود، پس از هفت سالگی به موجب ماده ۱۱۶۹ همان قانون در عمل منتفی شده؛ مگر با توافق زوجین و تشخیص دادگاه.

ماده ۱۹ کنوانسیون به حمایت کودکان در برابر سوءاستفاده (ممنوعیت رفتار خشن با کودکان) می‌پردازد. حکومت‌ها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودک را در برابر هر شکل از رفتار سهل‌انگارانه با آنها، سوءاستفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی حمایت می‌کنند. با وجود مراتب مزبور و الحاق ایران به کنوانسیون یادشده، تعارضاتی در این باره مشهود است. حق تنبیه بدنی کودک توسط اولیای او در قوانین ایران سلب نشده است. بنابراین ضمانت‌های حقوقی و قانونی برخورد با خشونت درباره کودکان و کودک‌آزاری والدین آنها یا دیگران بر آنان در قوانین ایران باید تقویت شود.

تصویب قانون جدید که به برخی از اصول اساسی کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ از جمله حق حیات، مشارکت، حمایت از افراد زیر هجده سال، پیش‌بینی وظایف برای

ارگان‌ها و نهادهای دولتی، رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی در مورد حقوق کودکان، شهروندان و فعالان عرصه حقوق کودک، اشاره به سهل‌انگاری درباره کودکان و جرم‌انگاری آن، پیش‌بینی مقرراتی که به برخی قواعد اساسی مندرج در کنوانسیون اشاره دارند، از جمله منع شکنجه و شناسایی شخصیت حقوقی، جملگی گام مهم و ارزشمندی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان هستند. با این حال پیش‌بینی نشدن مقرره‌هایی که به موضوع مصونیت برای والدینی که بر اثر خشونت خانگی می‌توانند به حقوق کودکان تجاوز کنند، وجود مقررۀ ۹ این قانون که به صراحت والدینی را که به ارتکاب برخی جرایم درباره کودکان خود دست می‌زنند از برخی مجازات‌ها مستثنا می‌کند، با موضوع و هدف کنوانسیون تناقض دارد (ر.ک: شفیع، انجمن مطالعات ملل متحد). در تنبیه کودک باید از خشونت و انتقام‌جویی پرهیز شود و اقدام پدر و مادر با نوعی ملایمت و انعطاف که لازمه امور تربیتی است، همراه باشد (مهدوی ثابت و عبداللہی، ۱۳۹۸، ص ۱۹). قانون‌گذار نمی‌تواند حدود اختیار پدر و مادر را به دقت معین نماید و مرز مباح را رسم کند. پس ناگزیر باید از عرف یاری بگیرد و انگیزه «تأدیب» را شرط لازم برای اباحت هر گونه تنبیه قرار دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۳۸۸). در مورد انگیزه تربیت نیز باید گفت در سال‌های اخیر ما شاهد مواردی از خشونت به کودکان بوده‌ایم که کودک در سنین بسیار پایینی قرار داشته و بسیار آسیب‌پذیر بوده است. بنابراین مطرح کردن بحث انگیزه تربیت در مورد این کودکان که گاهی کمتر از یک سال نیز سن دارند، درخور درنگ است. از سویی بسیاری از موارد خشونت علیه کودکان پس از مصرف مواد مخدر والدین صورت گرفته است که باز هم می‌تواند بحث تنبیه و تربیت را منتفی کند (ویسی و قدیری، ۱۳۹۹، ص ۲۰).

در سال ۲۰۰۰ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک با هدف جرم‌انگاری جهانی هرزه‌نگاری به تصویب کشورهای دنیا از جمله ایران رسید. با توجه به آثار این الحاق و همسویی با جامعه جهانی در سال ۱۳۹۹، مجلس قانون‌حمایت از اطفال و نوجوانان را تصویب کرد؛ اما میزان مطابقت قانون یادشده با پروتکل الحاقی جای سؤال دارد. با توجه به استمرار دیدگاه دوسویه این قانون درباره بزه‌دیدگی، بزهکاری هرزه‌نگاری توأم با رضایت نوجوانان، بر انطباق کامل نداشتن با هدف پروتکل دلالت دارد که خواستار تغییر نگرش دولت‌ها به بزه‌دیدگی مطلق کودکان است (نیکبختی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶). در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در خصوص بعضی رفتارها مانند قانون

نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند، مجازاتی پیش‌بینی نشده است. سوءاستفاده جنسی و بهره‌برداری شامل استثمار جنسی تجاری، روسپیگری کودک و پورنوگرافی کودک می‌شود و به عنوان یک نوع خشونت و در نتیجه از نظر روان‌شناختی، استثمار گرانه و آسیب‌زا توصیف می‌شود؛ حتی اگر با اجبار فیزیکی همراه نباشد (Schulze, 2014, p.194).

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ از واژه «هرزه‌نگاری» برای نخستین بار استفاده شده و در بعضی مصادیق به مجازات‌های منعکس در قوانین جاری به عنوان نمونه قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند، نظر داده است که اولاً این امر به معنای استمرار پراکنده‌گی قوانین ناظر بر هرزه‌نگاری کودک است؛ ثانیاً در حالی که با مراجعه به این قانون صرفاً برای عوامل اصلی تولید آثار مستهجن در صورتی که از مصادیق مفسد فی الارض باشند، به جرم‌انگاری قائل شده و در صورتی که مشمول این عنوان نشوند، مجازاتی پیش‌بینی نشده است و حتی با دقت در تبصره ۳ ماده ۳ این قانون نیز به نظر می‌رسد حداقل رفتار مجرمانه استفاده از صغار در نمایش آثار، فاقد هرگونه پیش‌بینی مجازاتی است، حال چگونه در قانونی که هدف از آن حمایت ویژه از کودکان است، به مقرره‌ای حکم داده می‌شود که در برخی مصادیق، فاقد جرم‌انگاری و ضمانت اجرایی است. همچنین با توجه به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این مصوبه و بعضی قوانین، در پاره‌ای مصادیق، مرحله آغاز و نیز معاونت در ارتکاب آنها منتفی است.

بنابراین از این حیث نمی‌توان به مطابقت کامل قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با پروتکل نظر داد؛ اما نکته اصلی اینکه با توجه به هدف اصلی از تصویب جهانی پروتکل که حمایت از کودک به عنوان بزه‌دیده مطلق و نبود جرم‌انگاری و شمول مجازات علیه اوست، در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان - همانند قوانین جزایی پیشین - با توجه به نگرش دوسویه «بزه‌کار - بزه‌دیده» در رفتارهای توأم با رضایت اشخاص بالغ زیر هجده سال، آنها را مشمول مجازات می‌داند و تنها تشدید مجازات را در مورد آنان منتفی می‌کند. به نظر می‌رسد اجماعی جهانی در خصوص حمایت از کودکان در برابر بهره‌کشی جنسی شکل گرفته؛ یعنی توجه نداشتن به رضایت این گروه سنی در برابر رفتارهای مجرمانه ناشی از آن که متأسفانه مورد پذیرش سیاست کیفری کشور ما قرار نگرفته است. از این دیدگاه، هماهنگی با پروتکل در مقررات موضوعه ما دیده نمی‌شود.

با توجه به جهانی شدن حمایت کیفری از کودکان در خصوص هرزه‌نگاری، سیاست کیفری کشور ما با تعهد بین‌المللی با الحاق به آن که معنایی جز پذیرش مفاد آن و همسو شدن با جامعه جهانی در ریشه کن کردن پدیده هرزه‌نگاری ندارد، انطباقی دیده نمی‌شود؛ چرا که انطباق با این سند مهم، زمانی معنا می‌یابد که کودک موضوع اسناد بین‌المللی طفل و نوجوان نظام حقوقی ما بزه‌دیده مطلق رفتارهای ناشی از بهره‌کشی قلمداد شود و همه نوع حمایتی در قالب جبران آلام ناشی از بزه‌های مصرح و مبارزه با تقاضای بهره‌کشی از این گروه سنی صرفاً در قالب مجازات بهره‌کش از کودک معمول گردد. در واقع باید به کودک در هر حالتی از رفتار هرزه‌نگاری به عنوان موضوع استعمار نگریسته شود و مطلقاً با ضمانت اجرای کیفری روبه‌رو نگردد. به زعم ما تنها در این حالت می‌توان از انطباق قوانین یک کشور با تعهد بین‌المللی اش در قبال پروتکل سخن گفت. از این رو پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه اجماع جهانی دایر بر این استوار شده که استعمار جنسی علیه انسان به‌ویژه کودکان با وجود اراده واقعی آنها صورت می‌پذیرد، بر همین مبنا پروتکل نگرش بزه‌دیدگی مطلق به کودکان دارد و دولت ایران نیز به عنوان یکی از پذیرندگان این سند مهم بین‌المللی حقوق بشر کودک به تأسی از پروتکل، اراده اشخاص زیر هجده سال در هرزه‌نگاری را مفقود و به عنوان موانع مسئولیت کیفری پیش‌بینی کند. (نیکبختی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲۹-۱۳۰). باید به این موضوع نیز توجه شود که رفاه و منافع کودکان توسط بزرگسالانی تعریف می‌شود که می‌پندارند بهتر از آنها می‌دانند (see: Common Criticisms of Children's Rights and 25 Years of the IJCR, 2016). لذا مشارکت کودکان در تصمیم‌گیری در سطح فردی، خانوادگی، سازمانی و سیاست‌گذاری در جامعه برای احقاق حقوق آنها کلیدی است (see: Council of Europe Strategy for the Rights of the Child (2016-2021)). کودک امروز، آینده تمام نمای آینده‌ی فردای جامعه است. حمایت و پرورش صحیح کودک به نوعی سرمایه‌گذاری برای حصول جامعه‌ی متعالی در مراحل آتی‌زیست جامعه تلقی می‌شود و خشونت علیه آنان همچون کاشت بذر جرائم بالقوه و تهدیدات آینده‌ای نزدیک در بطن جامعه خواهد بود که حیات آن را به مخاطره جدی خواهد انداخت. (پتفت، ۱۳۹۹، ص ۷۷)

نتیجه‌گیری

تصویب قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان که به برخی اصول اساسی کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ از جمله حق حیات، مشارکت، حمایت از افراد زیر هجده سال،

پیش‌بینی وظایف برای ارگان‌ها و نهادهای دولتی، رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی در مورد حقوق کودکان، شهروندان و فعالان عرصه حقوق کودک، اشاره به سهل‌انگاری درباره کودکان و جرم‌انگاری آن، پیش‌بینی مقرراتی که به برخی قواعد اساسی مندرج در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ اشاره دارند، از جمله منع شکنجه و شناسایی شخصیت حقوقی، گام مهم و ارزشمندی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان هستند. با این حال پیش‌بینی نشدن مقرره‌هایی که به مصونیت برای والدینی که بر اثر خشونت خانگی می‌توانند به حقوق کودکان تجاوز کنند منجر می‌شود، وجود مقررۀ ۹ این قانون که به صراحت والدینی را که مرتکب برخی جرایم درباره کودکان خود می‌شوند، از برخی مجازات‌ها مستثنا می‌کند، نادیده گرفتن برخی حقوق مشارکتی، کم‌توجهی به ریشه‌های جرایم علیه کودکان و... که در زمره قواعد آمره هستند؛ تناقضاتی را با موضوع و هدف کنوانسیون ایجاد کرده است. با وجود این در قانون جدید، اوضاع مخاطره‌آمیز کودک یا نوجوان در قالب مصادیقی فراگیر مورد توجه قرار گرفته و اشخاص مربوطه را به انجام تکالیفی موظف کرده است. اما لازم است این قانون که فرصت‌های بسیار مناسبی در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان ایجاد کرده است، به نحو مطلوب اجرا شود. صرف تصویب قانون کافی نیست و فقط با اجرای مفاد آن می‌توان به کاهش مشکلات کودکان و نوجوانان امیدوار بود. همچنین لازم است این قانون که تکالیفی جدید را برای افراد ایجاد کرده است، به نحو مطلوب آموزش داده شود تا با ایجاد آگاهی از مفاد قانون، میان کودکان و نوجوانان اجرایی و منجر به کاهش خشونت خانگی شود. دولت باید اطمینان یابد خانواده‌ها در نقش مراقبتی خود به حمایت‌های گوناگون دسترسی دارند و آنها را از خدمات موجود آگاه کند.

والدین، دیگر اعضای خانواده یا قیم‌های فاقد صلاحیت یا نیازمند کمک برای تأمین نیازهای جسمانی، روانی، احساسی و اجتماعی کودک باید از کمک‌های لازم بهره‌مند شوند. اگر خانواده کودک را در معرض خطر بی‌توجهی، سوءاستفاده، بدرفتاری یا بهره‌کشی یا در معرض اقدامات سوءاستفاده‌گرانه و بهره‌کشانه قرار داده باشد، دولت مسئول محافظت از کودک است و باید اطمینان یابد مراقبت‌های جایگزین یا مراقبت‌های قانونی دائمی مناسب مطابق با مواد ۱۷-۲۰ قانون جدید برای او فراهم می‌شود. کودکان دچار معلولیت و ناتوانی باید در برابر بی‌توجهی، سوءاستفاده، بدرفتاری و بهره‌کشی

محافظت شوند. برای تحقق این امر باید اقدامات لازم را انجام داد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ برای حمایت از کودکان و نوجوانان در برابر سوءرفتار والدین و دیگران، مجازات‌های متعددی را در مواد مختلف آن وضع کرده است. بحث سوءرفتار در مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد کودکان یعنی کنوانسیون حقوق کودک نیز به صراحت مورد تأکید قرار گرفته و دولت‌ها را بر حمایت از کودکان و نوجوانان در برابر سوءرفتار والدین و دیگران مکلف کرده است.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان هم‌راستا با اسناد بین‌المللی و براساس مباحث فقهی و حقوقی به طور ویژه به خشونت و سوءرفتار با کودکان اشاره کرده است که با بررسی آنچه در اسناد بین‌المللی آمده و آنچه در این قانون اشاره شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گام مهم و متناسب با اسناد بین‌المللی، توانسته مباحث حوزه کودکان را پوشش بدهد؛ اما تقویت جنبه‌های حمایتی در این قانون نیز لازم است مورد توجه بیشتری قرار گیرد. البته در کنار سازوکارهای تقنینی و کیفری، اقدامات غیر کیفری نیز از اهمیت بسزایی برخوردارند؛ چراکه تدوین قوانین و مقررات و اعمال مجازات‌ها به تنهایی به عنوان یک سیاست پیشگیرانه در رابطه با حقوق کودک مؤثر نخواهد بود. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در مواد متعدد به همکاری مراجع خدماتی، حقوقی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و... جهت حمایت و پیشگیری از کودک آزاری اشاره شده است. به نظر می‌رسد سیاست جنایی ایران در قبال خشونت علیه کودکان و نوجوانان سیاستی حمایتی - پیشگیرانه است؛ اما به لحاظ مشروعیت و قانونی بودن تنبیه بدنی کودکان و نوجوانان زیر هجده سال «در حد متعارف» به منظور تأدیب و محافظت از آنان توسط والدین، سرپرستان و اولیای قانونی آنان، در قانون یادشده و مقررات قوانین مدنی و جزایی، متأسفانه مواردی از خشونت خانگی علیه آنان امری عرفی و مجاز قلمداد می‌شود.

همچنین مواردی از این قبیل که اولاً با توجه به نقش در نظر گرفته شده برای دولت‌ها در این کنوانسیون و ثانیاً مشکلات فراوانی که در دنیا گریبانگیر کودکان می‌شود، ناکافی است و لازم است دولت‌ها اقدامات بیشتری را در این زمینه انجام دهند. قابلیت اجرایی کنوانسیون در کشورها با وجود تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و... مشکل است. هرچند ایران با امضای کنوانسیون گام مهمی در جهت احقاق حقوق کودکان برداشته است و نشان

از احترام به حقوق کودکان است؛ اما پذیرش مشروط این کنوانسیون و گنجاندن ماده و تبصره‌هایی به ماده‌های آن از جمله تعریف کودک، عدم تبعیض بین کودکان، رعایت منافع کودکان، حق حیات، حق کسب هویت، حق زیستن با والدین، حق ورود یا ترک کشور به منظور پیوستن به والدین، حق ابراز عقیده، حق دسترسی به اطلاعات، حق آزادی تفکر و مذهب، مسئولیت مشترک والدین، ممنوعیت رفتار خشن با کودکان، امکان زیستن در خانواده، حق کودکان پناهنده، کمک به کودکان معلول، حق برخورداری از بالاترین استاندارد و زندگی مناسب و... عملاً اجرای کنوانسیون حقوق کودک را در ایران با چالش‌هایی روبرو کرده است. کنوانسیون اعلام نکرده کشوری که بر اساس ماده ۳۲ محکوم به اعمال مجازاتی شد و دولت محکوم مایل بود طبق ماده ۵۲ از پیمان خارج شود، ترتیبات و حقوق آن دولت چگونه خواهد بود. کنوانسیون حقوق کودک که پاره‌ای از مواد آن با مواد قانونی ایران بررسی شد، اگرچه یک سند جامع و مانع و کامل نیست؛ اما گامی مؤثر برای احقاق حقوق کودکان است. قوانین ایران نیز اگرچه کاستی‌هایی دارد؛ اما در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سعی شده تا آنجا که ممکن است، حقوق بیشتری به افراد تحت پوشش خود بدهند.

این نوشتار به مطالعه تطبیقی حقوق کودک در ایران و کنوانسیون حقوق کودک با تأکید بر خشونت خانگی پرداخته و بر لزوم رعایت حقوق کودک از سوی دولت‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی و لزوم فرهنگ‌سازی این مهم در نظام آموزشی و فرهنگی کشورها و در میان خانواده‌ها و کودکان تأکید کرده است. ضرورت تدوین و تبیین «نظام جامع حقوق کودک و فرهنگ حقوق کودک» و تأسیس «سازمان ملی حمایت از حقوق کودکان» شایسته بررسی است. آموزش افراد و نهادهایی که در قانون برای آنان وظایفی در نظر گرفته شده، نظارت بر تعامل بین این نهادها می‌تواند به نتایج خوب به منظور حمایت از کودکان و نوجوانان در برابر خشونت خانگی بر اساس قانون جدید منجر شود. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان کاستی‌های قانونی را تا حدود زیادی رفع کرده و در کنار آگاهی عمومی که نیازمند تلاش کنشگران اجتماعی و فرهنگی است، دولت‌ها نیز وظایفی در جهت رفع و کاهش آسیب‌های اجتماعی فقر، اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، اختلالات روانی، فساد اخلاقی و فحشا، مهاجرت، تکدی‌گری، سوءاستفاده، بهره‌کشی و استثمار بر عهده دارند. تا زمانی که این گونه آسیب‌های اجتماعی رفع نشود، خشونت علیه کودکان

بارها بازتولید می‌شود و قابل کنترل و کاهش نخواهد بود. این حق مسلم هر کودک است که در محیط آرام، اخلاقی و مناسب خانوادگی پرورش یابد؛ بنابراین حمایت از حفظ و کیان خانواده و آگاه‌سازی و نظارت بر رفتار والدین و سرپرستان کودکان امری ضروری است. چنانچه پدر و مادر کودک قادر به تأمین این مراتب در بستر روابط خانوادگی خود نشوند، دولت موظف است آنان را در ایفای این مسئولیت یاری کند.

مقالات

کودکان و خشونت خانگی با تأکید بر قانون حمایت از
کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و اسناد بین‌المللی

منابع و مأخذ

۱. ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی؛ *دانشنامه جرم‌شناسی*؛ چ ۳، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳.
۲. اردبیلی، محمدعلی؛ *حقوق جزای عمومی*؛ ج ۲، چ ۳۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴.
۳. آذربایجانی، مسعود؛ "نقدی بر کنوانسیون حقوق کودک"؛ *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۳۸۱.
۴. بیگی، جمال؛ «راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی»؛ *فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری*، دوره ۹، ش ۴، ۱۳۹۸، ص ۳۱-۴۶.
۵. پاکهیده، فریدون و سمیه محمدنظری و علی حمیدی؛ «حمایت از اطفال بزه‌دیده خشونت خانوادگی در قوانین ماهوی ایران»؛ *فصلنامه دانش انتظامی پلیس*، ش ۳۲، ۱۳۹۶، ص ۳۷-۵۶.
۶. پورقهرمانی، بابک؛ «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن»؛ *رواق اندیشه*، ش ۲۸، ۱۳۸۳، ص ۶۷-۸۴.
۷. پتفت، آرین؛ «حمایت از کودکان در برابر خشونت در بافتار اسناد بین‌المللی»؛ *فصلنامه حقوق کودک*، س ۲، ش ۸، ۱۳۹۹، ص ۴۷-۷۹.
۸. تقی‌زاده زانوقی؛ «نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان»؛ *فصلنامه فقه و حقوق نوین*، دوره ۱، ش ۳، ۱۳۹۹، ص ۱-۲۷.
۹. جعفری، افشین و اسماعیل‌پور، حیدر؛ «مبانی فلسفی و حقوقی دوره کودکی و نوجوانی از منظر نظام حقوقی اسلام و کنوانسیون حقوق کودک»؛ *فصلنامه حقوق پزشکی*، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۶-۱۳۸.
۱۰. حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن؛ «پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلستان»؛ *فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم*، س ۵، ش ۱۷، ۱۳۸۹، ص ۹۵-۱۰۵.

۱۱. حبیبی، سمیرا و مریم گوهری مقدم؛ «پیشگیری از کودک‌آزاری و درمان آن»؛ فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۳، ش ۲، ۱۳۹۶، ص ۹۵-۱۰۵.
۱۲. حسنی، محمدرضا و عیسی عابدینی و ابراهیم ابراهیمی و کمال کوهی؛ «عوامل و ریشه‌های تنبیه بدنی کودکان در محیط خانواده و راهکارهای مقابله با آن»؛ حقوق بشر، ج ۶، ش ۲، ۱۳۹۰، ص ۵۷-۷۲.
۱۳. حبیبی، تهمینه؛ «نقدی بر کنوانسیون حقوق کودک»؛ مطالعات راهبردی زنان، ش ۱۶، ۱۳۸۱.
۱۴. رضوانی، سودابه و مریم غنی‌زاده بافقی؛ «خانه‌های امن به مثابه درمانگاه زنان خشونت‌دیده خانگی»؛ مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۳، ش ۱۰۶، ۱۳۹۸، ص ۱۴۳-۱۶۷.
۱۵. رفاهی، ژاله و نصیر داستان و حاجی اشرفی؛ «پیش‌بینی پرخاشگری کودکان بر اساس خشونت خانگی و الگوهای ارتباطی»؛ فصلنامه سلامت روان کودک، دوره ۷، ش ۲، ۱۳۹۹، ص ۵۵-۶۵.
۱۶. سادات اسدی، لیلا؛ «تأثیر حقوق بشر بر مقررات دادرسی ایران ناظر به کودکان معارض با قانون»؛ فصلنامه علمی پیشگیری از جرم، س ۴، ش ۱۱، ۱۳۸۸، ص ۴۵-۷۰.
۱۷. سالازار فلکمن، کریستین؛ «خشونت علیه کودکان، مروری بر اندیشه جهانی و اقدام ملی برای حمایت از کودکان در برابر آسیب»؛ ترجمه علی نورمحمدی؛ فصلنامه حقوق بشر، س ۳، ش ۲، ۱۳۹۰، ص ۲۷-۳۴.
۱۸. ستایش، ناهید و خدیجه ازوجی و مجید بخشی‌زاده و مرضیه نجومی؛ «خشونت خانگی و وضعیت جسمی روانی زنان»، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۴، ش ۱۵۴، ۱۳۹۶، ص ۲۰-۲۶.
۱۹. سجادی‌فر، قاسم؛ «بررسی فراوانی خشونت فیزیکی علیه زنان در طی مدت بارداری و رابطه آن با پیامدهای نامطلوب»؛ رساله دکتری، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۸۱.

۲۰. سیدی بنایی، سیدباقر و سیدمرتضی موسوی تبار؛ «بررسی فقهی و حقوقی سوءرفتار با کودکان در لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان و جایگاه آن در اسناد بین‌المللی»؛ فصلنامه قضاوت، ش ۹۴، ص ۹۶-۱۱۶.
۲۱. شعبانی، محمدحسین؛ «حقوق کودکان در خانواده در پرتو اسناد حقوق بشر بین‌المللی»؛ فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۷، ص ۳۴۷-۳۶۲.
۲۲. شفیعی، زهره؛ «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گامی در جهت اجرای تعهدات بین‌المللی»، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد؛ ۱۴۰۰.
۲۳. شهینان‌پور، عسکر؛ «بررسی علل و عوامل گرایش به خشونت علیه زنان و جوانان»؛ فصلنامه دانش انتظامی خوزستان، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خوزستان، س ۳، ش ۱۳، ۱۳۹۴، ص ۶۳-۸۰.
۲۴. صالحی، حمیدرضا و مائده اسماعیل‌پور؛ «تأملاتی بر کودک‌آزاری با رویکردی بر قوانین حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱»؛ دوفصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده، س ۱۹، ش ۶۱، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷-۱۴۲.
۲۵. صفری، محسن و رضا زهروی؛ «بررسی تطبیقی نفی ضابطه کودک‌انگاری سن‌مدار محض»؛ فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۵۹، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳-۲۰۴.
۲۶. علمداری، علی و محمد فرجیها؛ «ظرفیت‌های تقنینی کاربرد برنامه‌های عدالت ترمیمی در بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر»؛ مجلس راهبرد، دوره ۲۷، ش ۱۰۲، ۱۳۹۹، ص ۱۵۹-۱۸۲.
۲۷. عالمی، محمد حسین و فریبا طایی؛ «بررسی تطبیقی حقوق کودک از منظر حقوق ایران و قوانین بین‌الملل»؛ فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، س ۱۰، ش ۱، پیاپی ۲۰، ۱۴۰۰، ص ۱۸۱-۲۰۴.
۲۸. فرشیدفر، مریم؛ «مداخله دولت در خشونت‌های خانگی از منظر حقوق بشر»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

۲۹. فیروزی، گلناز؛ «حمایت از اطفال بزه‌دیده خشونت خانگی در قوانین ماهوی ایران»؛ فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۲، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱-۱۶۶.
۳۰. فهرستی، زهرا و گلرخ نظری خاکشور؛ «بررسی پدیده کودک آزاری از ابعاد حقوقی و ضرورت بازنگری»؛ فصلنامه تخصصی ققه و تاریخ تمدن؛ س ۱۴، ش ۱۵، ۱۳۸۷.
۳۱. قانون حمایت از اطفال و نوجوان مصوب ۱۳۹۹، پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۹.
۳۲. کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی؛ چ ۱۶، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۳۳. کوشا، جعفر و یاسمن خواجه‌نوری؛ «جهانی شدن مفهوم طفل در بستر حقوق کیفری»؛ مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه ش ۲، ۱۳۹۱، ص ۱-۳۲.
۳۴. کوبی سقی، فاطمه؛ «حق سلامت کودکان در ایران؛ پیاده‌سازی قوانین بین‌المللی»؛ اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۱۳، ش ۱، ۱۳۹۹، ص ۴۰۳-۴۱۷.
۳۵. محسنی کبیر، معصومه و عیسی کریمی و تینا امیری و جعفر بوالهری؛ «پیشگیری از خشونت خانگی: اجرای برنامه آزمایشی جلب حمایت در یک منطقه شهری»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، دوره ۲۴، ش ۲، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷-۱۳۳.
۳۶. مقدادی، محمد مهدی و مریم جوادپور؛ «تأثیر ازدواج زود هنگام بر سلامت جسمی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن»؛ فصلنامه حقوق پزشکی، س ۱۱، ش ۴۰، ۱۳۹۶، ص ۳۱-۶۱.
۳۷. مهدوی ثابت، محمد علی و سامان عبداللهی؛ «سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه اطفال»؛ فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، س ۱۴، ش ۵۱، ۱۳۹۸، ص ۹-۳۳.
۳۸. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ «سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران»؛ مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۲، ش ۶۲-۶۳، ۱۳۸۷، ص ۱۵-۴۰.
۳۹. میلان، علیرضا و الهام عبدی؛ «تأثیر کار کودک در بزهکاری اطفال»؛ فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۲، ش ۱، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۳-۴۰.

۴۰. معینی فر، محدثه؛ «بررسی حق کودک بر هویت در اسلام و اسناد بین‌الملل»؛ دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، دوره ۱۷، ش ۵۶، ۱۳۹۱.
۴۱. نوع پرست، زهرا؛ «حقوق کودک: شورای حقوق بشر و منع خشونت علیه کودکان»؛ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۱۴، ۱۳۹۰، ص ۱-۲۲.
۴۲. نیکبختی، جواد و غلامرضا محمدنسل و بهروز گلپایگانی؛ «بررسی تطبیقی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در برابر هرزه‌نگاری و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک»؛ فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵-۱۳۱.
۴۳. نیکنامی، ندا و علی اصغر آقایی و سارا کاظمی؛ «خشونت خانگی نقض کرامت ذاتی کودک و راهکارهای مقابله با آن در اندیشه حقوقی اسلام»؛ فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی تطبیقی آزاد، دوره ۶، ش ۲۲، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳-۱۵۲.
۴۴. ویسی، میثم و رشید قدیری؛ «سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال و نوجوانان»؛ فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۶، ش ۱، ۱۳۹۹، ص ۱۴-۲۵.
۴۵. یزدان، یوسفعلی و محمدحسین زاهدیان؛ «سیاست کیفری افتراقی در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی جنسی اطفال در نظام حقوقی ایران»؛ کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۶.
۴۶. یعقوبی دوست، محمود و حلیمه عنایت؛ «بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با خشونت خانگی نسبت به فرزندان در شهر اهواز»؛ پژوهش‌های راهبرد امنیت و نظم اجتماعی، ش ۲، ۱۳۹۳، ص ۳۱-۶۰.
47. African Charter on the Rights and Welfare of the Child. 1990. Available at: https://www.un.org/en/africa/osaa/pdf/au/afr_charter_rights_welfare_child_africa_1990.pdf.
48. Aoife Daly, Sandy Ruxton and Mieke Schuurman, (2016). "CHALLENGES TO CHILDREN'S RIGHTS TODAY: WHAT DO CHILDREN THINK?". A desktop study on children's views and priorities to inform the next Council of Europe Strategy for the Rights of the Child,

<https://rm.coe.int/1680643ded>.

49. Common Criticisms of Children's Rights and 25 Years of the IJCR, Chapter in Children's Rights: New Issues, New Themes, New Perspectives, edited by M Freeman, pp. 39-50/ Priscilla Alderson University College London, UK, https://discovery.ucl.ac.uk/id/eprint/10054153/3/Alderson_Commo
50. Council of Europe Strategy for the Rights of the Child (2016-2021) Children's human rights, Council of Europe. French edition: Stratégie du Conseil de l'Europe pour les droits de l'enfant (2016-2021)
51. Frehsee, Detlev, Wiebke Horn, and Kai-D. Bussmann, eds. Family violence against children: a challenge for society. Vol. 19. Walter de Gruyter, 1996.
52. Guide to Practice on Reservations to Treaties, 2011, Report of the International Law Commission on the work of its sixty-third session, Adopted by the International Law Commission at its sixty-third session, in 2011, and submitted to the General Assembly as a part of the Commission's report covering the International Law Commission, 2011, vol. II, Part Two. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/1_8_2011.pdf.
53. Korbin Jill E. (Ed.), Child Abuse and Neglect Cross-Cultural Perspectives, University of California Press, 1983 punishment and influencing factors. Journal of interpersonal violence 27, no. 11, 2208-2229, p.174.
54. Marvasti, J. A. (2000), Child Suffering in the world: Child Maltreatment by Parents, Culture and Governments in Different countries and cultures, Manchester, Sexual Trauma center Publication.
55. Mills, L.G; Friend, C; Conrey, K; et al. (2000), "Child Protection and Domestic Violence: Training, Practice and Policy Issues", children and Youth Services, Review, Volume 22, Issue 5, May 2000, Pages 315-332.
56. Reservations to Treaties [Agenda item 6] Document A/CN.4/558 and Add.1-2* Tenth report on reservations to treaties by Mr. Alain Pellet, Special Rapporteur, [1, 14 and 30 June 2005], https://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_558.pdf
57. Schulze E. Sexual exploitation and prostitution and its impact on gender equality. Brussels European Parliament. Brussels: Brussels University; 2014.
58. United Nations, General comment No. 25 (2021) on children's rights in relation to the digital environment, (2021), Committee on the Rights of the Child,
59. United Nations, Committee on the Rights of the Child, General comment No. 24 (2019) on children's rights in the child justice system,
60. United Nations, Committee on the Rights of the Child, General comment No. 16 (2013) on State obligations regarding the impact of the business sector on children's rights*, CRC/C/GC/16.
61. United Nations, Committee on the Rights of the Child, General comment No. 21 (2017) on children in street situations, CRC/C/GC/21.
62. U.N. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the

- Involvement of Children in Armed Conflict. 2000. Available at: https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/op_accrc.aspx.
63. United Nations (2005), Done at Vienna on 23 May 1969. Entered into force on 27 January 1980 United Nations, Treaty Series, vol. 1155, p. 331, Vienna Convention on the Law of Treaties Done at Vienna on 23 May 1969. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf.
 64. United Nations Report of the International Law Commission Sixty-third session (26 April-3 June and 4 July-12 August 2011) General Assembly Official Records Sixty-sixth Session Supplement No. 10, A/66/10/Add.1, <https://undocs.org/A/66/10/Add.1>
 65. RESERVATIONS TO TREATIES [Agenda item 6] DOCUMENT A/CN.4/558 and Add.1-2* Tenth report on reservations to treaties by Mr. Alain Pellet, Special Rapporteur, [1, 14 and 30 June 2005], https://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_558.pdf
 66. United Nations, International covenant on civil and political rights, CCPR/C/21/Rev.1/Add.6 11 November 1994, <https://undocs.org/CCPR/C/21/Rev.1/Add.6>.
 67. Official Documents System of the United Nation, <https://documents-ddsny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N19/024/33/PDF/N1902433.pdf?OpenElement>
 68. United Nations Human Rights, International Covenant on Civil and Political Rights Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966 entry into force 23 March 1976, in accordance with Article 49, <https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx>
 69. United Nations, General Assembly, International Law Commission Seventy-first session Geneva, 29 April-7 June and 8 July-9 August 2019 Fourth report on peremptory norms of general international law (jus cogens) by Dire Tladi, Special Rapporteur*, A/CN.4/727, <https://documents-ddsny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N19/024/33/PDF/N1902433.pdf?OpenElement>
 70. United Nations, Committee on the Rights of the Child Concluding observations on the combined third and fourth periodic reports of the Islamic Republic of Iran, General 14 March 2016, CRC/C/IRN/CO/3-4, <https://undocs.org/en/CRC/C/IRN/CO/3-4>.
 71. United Nations Report of the International Law Commission Sixty-third session (26 April-3 June and 4 July-12 August 2011) General Assembly Official Records Sixty-sixth Session Supplement No. 10, A/66/10/Add.1. <https://undocs.org/A/66/10/Add.1>.
 72. Document:
 73. universal declaration of human rights (1984).
 74. universal declaration of human rights (1984).

75. .declaration of the rights of child 20 november (1959).
76. international convention on the elimination of all forms of racial discrimination (1965).
77. international covenant on civil and political rights and the optional protocol thereto (1966)
78. convention on the minimum age for employment (1973).
79. The Convention on the Rights of the Child. 1989. Available at: <http://www.un.org>
80. Children`s Rights. Amnesty International. 2008. Available at: <http://www.web.archive.org>.
81. optional protocol to the convention on the rights of the child on the sale of children, child
82. prostitution and child pornography (2000).